تربیت اطفال

در خانواده

تألیف

رسول نخشبی

آن درختی که دانه کشت پ
میوه اش را نمیکنند پس
مگرش باغبان ببرد شا
شاخهٔ نو کند بر آن پیو
ای پدر تربیت چو پیوند است
که برخوردار آن دهد فرزند

محمد هاشم میرزا «افسر

طهران، سال ۱۳۰۷ شمسی

از سلسلهٔ انتشارات کتابخانهٔ طهران

در طهران خیابان لاله‌زار نمره ۱۲



چاپخانهٔ فردوسی

بعضی از انتشارات کتابخانهٔ طهران

دیوان حکیم ناصر خسرو ومقدمهٔ در شرح حال حکیم بقلم آقای آقا سید حسن تقی زاده با تضمام روشنائی نامه وسعادتنامه ورسالهٔ درشرح قصیدهٔ غیرمعلوم درجواب سئوالاتی که از حکیم ناصر خسرو وشده با فهرست اسماء الرجال که از روی نسخهٔ مصحح آقای حاج سید نصرالله «تقوی» که درظرف مدت ۲۰ سال با زیاده از بیست نسخهٔ چاپی وخطی معتبر تصحیح ومقابله نموده اند نزدیك سه سالست که در مطبعهٔ مجلس مشغول طبع شده و این ایام چاپ آن با طرزی بسیار مرغوب در ۸۰۰ و کسری صفحه باقطع پنج صفحهٔ بزرگ ازطبع خارج شده مشغول صحافی است وقریباً منتشر خواهد شد .

کتاب اوصاف‌الاشراف خواجه نصیرالدین محمد طوسی بتصحیح آقای حاج سید نصرالله «تقوی» وخط میرزا حسینخان سفی «عمادالکتاب» که در مطبعهٔ دولتی برلن بچاپ عکسی رسیده با تذهیب و کاغذ و جلد بسیار اعلا موضوع این کتاب اخلاق و عرفان و حکمتست بقیمت جلدی شش قران بفروش میرسد

تربیت اطفال در خانه که امروز مهم تر ومقدم ترین قدمیست در ترقی نسل آتیهٔ ایران قلم رسول نخشبی در ٦٤ صفحه انتشار یافته و بارزان ترین قیمت برای استفادهٔ مادران و عامه انتشار یافته

کتب مهم دیگر هم در تحت طبعست که اعلان آن ها پس از انتشار داده خواهد شد .

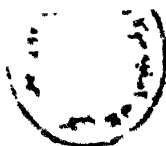
تربیت اطفال در خانواده

تألیف

رسول «نخشبی»

طهران سال ۱۳۰۶ شمسی

از سلسلهٔ انتشارات کتابخانهٔ «طهران» نمرهٔ ۶



تربیت اطفال در خانواده

مقدمه

انسان که مریض شد و مرض او سالهای چند طول کشید وبتمام رگ و ریشه و استخوانهای او سرایت کرد هر اندازه طبیب این چنین مریضی ماهر و حاذق هم باشد نا خوشی او باین سهولت رفع نشود مگر اینکه چند ماه یا سالی بمرور و تدریج معالجه شود .

فرض شود اگر این شخص مبتلا بیك مرض صعب العلاج گردیده ومدت طولانی این مرض بر وجود او مستولی شده است هر چند طبیب او شخص مجرب و بصیر باشد بازممکن نیست در اندك زمانی جسم او را از چنگال یك چنین نا خوشی خلاصی بخشد مگر اینکه آن طبیب ماهر اول مرض را تمیز داده بعد دوای آن را فهمیده و مدت معالجه را دانسته باشد یعنی مریضی که ده سال مبتلا بوده دوای درد او نیز تمیز داده شده باشد بازممکن نیست در آن واحد علاج پذیر شود و آن ناخوشی تند ترشده دنبال کار خود برود جز اینکه مدت زمانی برای معالجه باید قائل شد که در عرض آن مدت مریض بهبودی حاصل کند .

مرضهای ملی نیز از همین قرار است و فرق نمیکند ـ وقتی یك ملتی بواسطهٔ عللی که ذکر آنها دراین مورد جائز نیست دچار

انواع نا خوشی های مسری گردید و رشتههای زندگانی آن مختل شد قوای مادی و معنوی آن ضعیف گردید و این حال قرنها طول کشید. یك عده طبیب دلسوز و علاقمند لازم‌دارد که امراض آن را تشخیص داده دواهای آن را فهمیده و مدت زمان معالجه را دانسته باشند.

ملت ایران نیز یکی‌از آن مللیست‌که گرفتار چنین‌ناخوشی گردیده‌است و آن نا خوشی هم یکی نیست بلکه نا خوشیهاست که قرنها بر قوای جسمی و روحی آن احاطه و بر وجود آن غلبه کرده است که اگر حکماء عالم امروز جمع شوند باعادهٔ صحت وتندرستی ببدن یك چنین مریضی قادر نتوانند شد مگر اینکه عدهٔ اطبای دانشمند که علاقهٔ مخصوص ببهبودی یك چنین ملتی داشته ودرد را تمیزداده باشند و مدتی را که این مرض بر وجود آن ملت مستولی شده بدانند و دوای آنرا پیدا نموده مدت استعلاج را درك کنند و اطمینان‌حاصل نمایند که این ملت در تحت اختیار ایشان خواهد بود که دستور های آنان را با صمیمیت وبدون کم و زیاد عمل خواهد نمود آن وقت‌میتوان ببهبودی واعادهٔ صحت‌مزاج آن ملت امید وار شد.

اینك ملت ایران گرفتار یك چنین درد صعب‌العلاجی شده و این درد قرنهاست در وجود او ریشه کرده و اطبا آن مرض را در این مدت متمادی تشخیص نداده اند و دستور آنها همیشه‌غلط بوده خدمتگذاران آن علاقه ببهبودی آن نداشته اند و این مرض رفته رفته قوای بدنی آن را تحلیل برده بانواع و اقسام آلام‌جسمی

و روحی گرفتار نموده است .

حال بیائید این نا خوشی ها را در وجود ملت ایران بشماریم :

شاید بتوان تشخیص داد که این ملت گرفتار چه نوع ناخوشیهاست و آیا قابل علاج هستند یا اینکه باید دست تأسف بهم مالید وبکلی از بهبودی آن نا امید شد .

مرضهائی که میشود تمیز داد عبارتست از فقرالدم وسستی و نا توانی که هرسه نتیجهٔ تنبلی و راحت طلبیست و این معدودی از انواع نا خوشی های مسری شرقدست و نمیشود اینها را غیر قابل علاج دانست بلکه با یك مراقبت جدی پرستار علاقمند بسهولت علاج پذیر است .

در مرتبهٔ ثانی فقر و فلاکتست که سخت گریبان گیر این ملت شده زیرا که عمال ومتصدیان امور آن در نگاهداری ثروت وتولید آن و در پیدا کردن طرق تحصیل ثروت علاقه نشان ندادند بلکه برای منافع شخصی خویش آنچه هم بود برایگان از دست دادند.

سیم ـ جهالت و بی علمیست و آن نیز نتیجهٔ سوء عمل وعدم توجه مربیانست که فقط برای گذراندن چند روزه دورهٔ زندگانی خود یك ملتی را دروادی جهل و نادانی نگاهداشتند و در نتیجهٔ این جهالت قسمتهای عمدهٔ دارائی و منابع ثروت آن از دست رفت.

چهارم ـ برای اینکه از رشد و نمو قوای دماغی آن جلوگیری کنند مغز آنها را با یك مشت خرافات و اوهام پر کردند و آنها را نسبت باینگونه خرافات و اوهام طوری علاقمند و متعصب بار آوردند که با هیچ چیزی نشود از دماغ آنها خارج کرد.

پنجم ـ بد تر از تمام اینها نا خوشی مسری عدم اعتماد نسبت بیکدیگر طوری در عروق وریشهٔ این ملت جایگیر شده که گوئی با شیر اندرون شده با جان بدر رود .

برای فنای یك قوم یا ملتی سمی مهلك‌تر از عدم اعتماد افراد آن نسبت بیکدیگر نیست مخصوصاً در سنوات اخیر این سوء ظن و عدم اعتماد در میان سکنهٔ ایران قوی تر شده و یك جدیت و مهارت مخصوصی می خواهد که این مرض را هم مانند سایر امراض از جسم و روح ایرانی خارج کنند .

در هر حال نا خوشی های این ملت رایکان‌یکان نتوان شرح داد چه تشخیص و تمیز این ها چندان کار آسانی نیست و اگر یك عده علماء و حکماء مسیح دم پیدا شوند و همت بگمارند که اقلا معدودی قلیل هم شده از این امراض بیحد و حساب را که بر این ملت بمرور زمان و درعرض قرنهای گذشته مستولی شده و حیات ملی آن را فاج کرده معالجه کنند زهی سعادت و سر بلندی است .

نگارنده قلباً آرزو مند است ملت ایران رابك روزی مانند سایر ملل دنیا زنده دل و نیرومند و دارای روح مادی و معنوی بیند .

دنیای امروز یك میدان وسیع مبارزهٔ مللست و هر ملتیکه افراد آن تند رست تر و از حیث قوای دماغی وسیع تر و از علم و صنعت ماهر تر و از حیث زندگانی ساده تر و ما یحتاج آن ازخارجه کمتر است تفوق و مظفریت آن بیشتر است .

وقتی که ملت ایران را با ملل زنده و مترقی دنیا طرف نسبت قرار بدهید خواهید دید میزان تناسب یك بر هزار هم

نخواهد رسید .

ایرانی از هر حیث عقبست از قوه و بنیهٔ ساختمان بدنی ضعیف ترین ملل اروپاست از علم و صنعت در نقطهٔ صفر واقعست از حیث ثروت دیگر چیزی در بساط نمانده است طرق تولید ثروث را بلد نیست ـ علم اداری ندارد ـ یك وجب راه اهن از خود نکشیده از یك معدن خدا دادی استفاده ننموده است ـ یك شهر آباد ندارد امور زندگانی فردی و اجتماعی آن در تحت هیچ قاعدهٔ قرار نگرفته هنوز یك قدم اساسی برای حفظ و نگاهداری سکنه برداشته نشده، هنوز هم که هست یك آب بی آلایش و خالی از جانوران موذی و مهلك برای پایتخت تهیه نشده است با این حال چگونه ممکن است امید بقا و حیات سیاسی برای یك چنین ملتی در این میدان مبارزهٔ عالم که تمدن اروپائی زندگی در انرا فوق‌العاده مشکل نموده امید واربود .

چنانچه در فوق اشاره شد دنیا امروز فقط یك میدان مبارزهٔ بزرگی شده و هر ملتی که توانست سرتاسر آن را بهتر از سایرین بپیماید حق حیات برای آن قائل میشوندوالا محکوم بزوالست یا باید در مبارزهٔ زندگی تفوق پیدا کند یا محو شود .

از همین نقطه نظر استکه هر روزه در جراید داخلی وخارجی میخوانند در مسابقهٔ هوا پیمائی ـ شناوری ـ چو گان ـ فوت بال و انواع و اقسام ورزش های بدنی فتح یا شکست آن ها را اعلان می نمایند .

ایرانی نیز اگربخواهد زنده بماند و ازحیات سیاسی خودبرخوردار گردد باید بدون فوت وقت داخل در این میدان مبارزهٔ پرعرض و

طول دنیا گردد فقط یك چندی از خود گذشتن وفدا کاری میخواهد که این ملت در شاهراه ترقی براه افتد همین قدرکه قدم اول را برداشت ترس آن فرو خواهد ریخت و بر دنیا ثابت خواهد شد که روح ایران باستان زوال پذیر نیست .

از هرچیز که چشم توجه دور شد رونق آن کاسته میشود ملت نیز همینطوراست عدم توجه و عدم علاقهٔ زمامداران درازمنهٔ گذشته ملت ایران را نسبت بزندگی بی علاقه نموده وقتی که ازتربیت ملت غفلت شد تنبل و کودن بی عزم و اراده بار میاید حالت حالیهٔ ملت ایران نیز همینست و از تربیت جسمی و روحی آن غفلت شده است و بر عهدهٔ علاقمندان این ملتست که جبران کنند .

طریق سهل و سادهٔ که بنظر نگارنده میرسد آن راه تکاملست که بمرور زمان باید ریشهٔ فساد اخلاق ملی را کند ودور انداخت عجله و شتاب و انقلاب غلطست ممکنست آرزومندان ترقی ملت ایران از این راه بمقصود نرسند چه آنهائیکه دم از انقلاب میزنند از طبایع بشری بی اطلاعند و از نفوذ عواملی که در نمو و رشد و تشکیل و ساختمان طبایع بشری مؤثر است بیخبرند برای تغییر طبایع و شئون وعادات یك ملتی توسل بانقلاب غلطست زیرا کنندگان انقلاب هر اندازه قوی ومآل اندیش ومدبر باشند ممکن نیست برطبق آمال وآرزوهای خود از انقلاب نتیجه بگیرند هر قدر پنجه‌های آنها زورمند و توانا باشد بمرور سستی در گریبان ملت ازچنگال آنها رهاخواهد شد و مجددا ملت بعادات و رسوم و شئون دیرینهٔ خود عود خواهد نمود و اگر نتواند تمام مؤسسات اولیهٔ که انقلاب واژگون نموده است

برقرار کنند اقلا قسمت اعظم آنهـا را برقرار خواهد کرد بدو دلیل برقراری تمام آنها ممکن نیست یکی از بین رفتن طرفداران جدی آن عادات دوم گسیخته شدن رشتهٔ آنها در موقع انقـلاب که وصل مجدد آنها کار مشکلی خواهد بود ـ در هر حال فقط یك چیز از انقلابات بـاقی خواهد ماند و آن جراحت ضربت انقلاب است که باین آسانی صحت پذیر نیست ولی طریق تکامل بسیار سهل و ساده است و هیچ مانعی در جلو راه آن نخواهد بود و شما را هم اگر راست بگوئید بمنزل مقصود خواهد رسانید بشرطی که توقف دربین نباشد قدمهای آرام و مـلایم و دائم باید برداریـد تا بتوانید یك ملتی را از پرتگاه محو و فنا نجات دهید.

عقیدهٔ نگارنده اینستکه برای یك ملت جاهل هر اندازه اسباب راحتی و خوشی و آبادی فراهم آوریدبی فایده است مثل اینستکه یك مُدّبر با هزار زحمت و رنج یك مقدار ثروت اندوخته بدست یك عدهٔ اولاد بی اطلاع و بی تربیت و بی علم و جاهل بسپارد واضح است که عاقبت چه خواهد شد حال ملت ایران نیز همینست تا بتعلیم و تربیت آن همت گماشته نشده هر اقدامی بکنید آنی و موقتیست ملت ایران محتاج بتربیت اخلاقی و جسمی و روحیست که بتواند در دنیا قدمردی علم کند و بتواندزندگانی خود را اداره نماید و بتواند بقدر مصرف خود ثروت تولید کند هر وقت توانستید اسباب یك چنین تعلیم و تربیتی را برای ملت ایران فراهم آورید آنوقت باب سعادت را بر روی این ملت کهن سال باز کرده اید ودیگر هیچ نگرانی نخواهد داشت و مطمئن خـواهید شد که در آتیه و در

میدان‌مبارزهٔ زمان جای خود را گرفته اسباب‌افتخارایران خواهید شد .

برای‌همین مقصود و اینکه شاید بتوانم خدمتی بوطن خود کرده باشم این رساله را تقدیم ابنای وطن خویش مینمایم امیدوارم دو رسالهٔ دیگررا که‌یکی (تربیت اطفال در مدرسه) ودیگری که خاتمهٔ این‌رشته است(تربیت‌اجتماعی‌ایرانی‌برای‌جامعهٔ‌ایرانی) بعدازاین انتشار یابد.

اطفال نو زاد

نتیجهٔ عمرانسان اطفال اوست هیچ چیز در دنیا شیرین‌ترازاولاد نیست از روزی کـه طفل قدم بعرصهٔ وجودمیگذارد این‌مخلوق لطیف محبوب ترین موجود است که اولیای طفل برای نگـاه داری و حفظ آن از هیچ زحمتی رو گردان نیستند پدر ومادرموجودیت خودشانرا وقف مواظبت آن طفل مینمایند و این محبت و علاقه خود یکـی از نظامات متین و خلل نا پذیر طبیعتست تا جهان باقیست آن نیز باقیست حالا گراین‌طفل خوب توجه بشود و بطور منظم باو شیر بدهند بموقع شست و شو شود از گـزنده هـای موذی (کیك و امثال آن) محافظت کـنند و از سرایت ناخوشیهای مسری ایمنش سازند لباس نظیف و گشاد مناسب فصل بـاو بپوشانند وازسرما و گرمای زننده حفظ کـنند و از اظهار تند خوئی و عبارات درشت که سامعهٔ‌لطیف و نارسای طفل زننده است خود داری‌نمایند در نیکی خلق مادر و خوبی شیر ونظافت روحی‌وجسمی اومراقبت کـنند یك انسان تندرست کـه دارای هوش سر شار و ذکاوت طبیعی باشد بارخواهد آمد .

مادر های ما چگونه موجودهای نوزاد را نگاهداری مینمایند ؟

قطع نظر ازحفظ الصحه مادرهمینکه طفل بدنیا آمد مادرفوری اورا درلفافه گوناگون بپیچیده وبا یك ریسمان باریك وبلند آنرامحکم ریسمان پیچ نموده سر وصورت اورا بادستمالهای متعدد بسته در یك گوشه میخوابانند اگر در بیست و چهار ساعت یکمرتبه بازش نمایند خیلی بر آن طفل رحم نموده اند در ماههای اولیه که هیچ روی آب را نمیبینند وماه بماه لباس آن عوض نمیشود اگردرمیان آن لفافه ها ناراحت باشد وفریادکند حبهای مخصوص که مقداری تریاك داخل آنست هرچندساعت یکمرتبه بخورداومیدهندا گر هواسرد وموقع زمستان باشددراطاقهائی که هیچوقت هوای تازه درآن داخل نمیشود درمیان دودهای سیگار و توتون وغلیان نگاهداریش مینمایندواتفاق میافتد طفل بیچاره هفته بهفته هوای تازه استنشاق نمیکند و اگر گاهگاهی بعدازرفع اثرحب کیف (این حب ها درمیان زنها بحب کیف معروف شده) بهوش بیاید باز یك حب تازهٔ بایك مقدار شیر به بچه داده مجددا برای چند ساعت دیگر او را خواب میکنند ، البته یك چنین طفلی وقتی که بحد رشد برسد جز یك هیکل ضعیف ، لاغر ، بی حرکت ، از حال رفته ، بیهوش ناقص العقل و تنبل وبیکاره بیش نخواهد بود .

این تقریباً وضع نگاهداری اطفال در میان طبقهٔ سوم و دوم است وآنهائیکه یك اندازه وسائل زندگانی بهتری دارند منتها ازروزتولد بدست دایه و بعدها بدست نوکر و کلفت داده انتظار دارندیك چنین مردمان بی اطلاع وبی علاقه که حال آنها پرمعلومست برای آن خانواده ها ازاین اطفال مردمان قوی البنیه وبا اخلاق حسنه بارخواهند آورد که اسباب افتخاریك ملت باشند، خرابی عمدهٔ اطفال وهلاك آنها درروزهای اولیه غالباً ازهمین

جاهاشروع میشود، عامل اصلی اینکه ایران نمیتواند ونمی شودمردان برومند و فوق العاده تربیت کند عدم اطلاع اولیای اطفالست که بکلی از ترتیبات حفظ الصحهٔ اطفال و طرز نگاهداری آنها بی خبرند بخصوص مادر ها که هیچ بپرورش اطفال آشنا نیستند اغلب نسوان هنوز ببیست و پنج سال نرسیده اقلا پنج یا شش طفل آورده‌اند ولی هیچیك را نتوانسته اند حفظ کنند و بحد کمال برسانند یایکی ازآبله رفته و دیگری از گلو درد تلف شده سیمی باسهال مبتلا چهارمی از سیاه سرفه‌هلاك شده در صورتیکه اندك توجه بحفظ الصحه اطفال آنها را ازخطرهای بزرگ خلاص میکنند .

برای حفظ الصحهٔ اطفال مادرها چه باید بکنند ؟

این را باید جزوحقایق بشمار آورد که یك مملکت بقوای مادی و معنوی مردان خود قائم و بر قرار است و هر مملکتی که نتواند مردان بزرگ وجود آورد دیر یا زودآن مملکت دستخوش هوی وهوس طماعان زیر دست روزگار خواهد شد، رشد و نمو وترقی یك ملتی بدست مردان مجرب با عقل و دانش و فوق العادهٔ آن ملتست و پرورش این مردان البته باید در دامن مادران عالم و مطلع با عفت وباعصمت باشد که قبل از هر امری بحفظ و نگاهداری و رشد و تربیت اطفال آشنا باشند و بدانند اعضاء لطیف طفل نوزاد از چه چیز مرکبست و بچه وسیله باید آنهارا حفظ کرد و پرورش داد و طریق نگاهداری آن چیست وبچه وسیله رشد میکند واز چه چیز باید آنها را ایمن نگاهداشت ازچه غذائی باید احتراز کند وبچه نوع غذا ها باید قوای خود را تجدید نماید حفظ الصحهٔ خود وشوهر خود وطفل خود ومنزل خود را چگونه نگاهدارد که ناخوشیهای مسری راه بآن خانواده پیدا نکند .

اینها در حقیقت اطلاعاتیست که یك مادر علاقه مند باطفال خود باید بداند والا نه طفل برای اوباقی میماندو نه میتواند ببقای نسل خویش امیدوار باشد پس مادر باید بداند که شرط داشتن طفل ، طفل بیعیب، قوی البنیهٔ خوش اندام و بدون نا خوشی ذاتی وعرضی که برای‌او زنده و باقی بماند و در زمانهای بعد اسباب فرح و انبساط پدر و مادر باشد و همچنین اگر بخواهد اطفالی داشته باشد که وطن و ملت در آتیه از وجود آنها برخوردار باشد باید ازاستعمال الکل شراب و مشروبات قوی وتند مانند قهوه و چای پر رنگ و همچنین از استعمال هر قبیل دخانیات احتراز کند نه تنها خود باید ازاین قبیل مشروبات اجتناب کند بلکه اگر دارای اخلاق نیکو ونفوذ معنویست میتواند شوهرخود را نیز بترك استعمال آنها مجبور کند آن وقتیست که میتواند ببقای اطفال خود امیدوار باشد .

وقتیکه یك طفلی از چنین مادریکه دارای صفات فوقست قدم بعرصهٔ وجود گذارد وآنرا بطریقیکه در میان ملل متمدنه از غنی و فقیر معمولست نگاهداری کرد میتواند از حیات آن کاملا امیدوار باشد که در آتیه یك انسان کامل با هوش ، با ذکاوت ، با دانش و دارای بنیهٔ قوی خواهد بود که اسباب افتخار و سر بلندی ملت و مملکت خویش باشد .

حال باید دید طریق نگاهداری و تربیت‌طفل نوزاد در میان ملل متمدن چیست .

امروزه‌حتی‌الامکان کوشش میشود که تولد اطفال در ماههای بها اتفاق افتد مخصوصاًماههای اول و دوم بهار چه اطفالی که در این‌اوقات

متولد میشوند هوای بهار در رشد و نمو آنها دخالت تام دارد در این فصل هوا فوق العاده مساعد ست واطفال را میتوان در لباسهای نازك در رختخواب خود آزاد گذاشت که هر قدر بخواهند دست و پا بزنند مثل روز های زمستان هوا زننده نیست که طفل را مجبوراً در پوشش های گرم ضخیم بپوشانند که اسباب عدم حرکت دست و پای طفل فراهم بیاید و از روز تولد باید عادت داد که هر روزه با آب ملایم و صابون مطمئن که دارای اجزاء مخالف حفظ الصحه نباشد شست و شو داد و کسیکه اینکار را میکنند باید در روز های اول که مادر طفل در رختخوابست یك قابلهٔ حسابی باشد که کاملا رعایت حفظ الصحه را بنماید بعد در لباس مناسب وقت گشاد و عریض که دست و پای طفل کاملا آزاد باشد بپوشانند وجز شیر مادر چیز دیگر باو ندهند اگر شیر مادر نیامده باشد عجله لازم نیست طفل دو روز دیگر نیز میتواند بدون شیر بماند وهیچ وحشتی ندارد .

دکتر «جان کوون» در کتاب علم حیات جدید میگوید: هیچ چیزی خطر ناك تر از این نیست که بطفل شربت یا محلول های دیگر بدهند و این عین عبارت کتابست :

« بهتر از هر چیزی که میشود بطفل نوزاد داد دو یا سه قاشق چای خوری آب سرد است که بعد از شستن طفل باید بدهان او ریخت و هر روز صبح این عمل را تکرار کرد و این کار هم امعای طفل را پاك میکنند و هم جای غذا را میگیرد تا در پستان شیر پیدا کند اگر موافق این دستور عمل شود طفل آرام وراحت مدت دو ساعت خواهد خوابید تا مادر طفل از رنج والم آسوده شده بتواند بطفل پستان دهد اگر طفل خواب نرود و مادر قادر باشد میتواند همان ساعت پستان را بدهان طفل بگذارد و اگر طفل

آرام و راحت یا در حال خوابست بهتر میباشد قدری در دامن پرستار یا در محل گرم اگر بشود پهلوی مادر استراحت کند بعد از چند ساعتی آثار و علائمی طفل از خود نشان میدهد که حاضر برای قبول پستانست در این حالت میشود مادرپستان‌را بدهان آن بگذارد وبگذارد هر چه میتواند بپستان موك بزند و لی اگر طفل راحتست و آرام خوابیده بدون هیچ نگرانی بگذارند استراحت کند و اگر تا ٢٤ ساعت هم چیزی نخورد وحشت ندارد باید مواظب بود که خوب نفس بکشد و هر وقت که لازمست دستمال آن را عوض بکنند و بعد بگذارند برای‌خود راحت باشد اگر مادر قادر است که طفل خود را شیر بدهد برای طفل نوزاد هیچ چیزبهتر از پستان مادر نیست‌ولوسرهم نیامده باشدهمان مادهٔ مایعی که در پستان مادراست برای طفل کافیست اما آن آب سرد که در فوق اشاره شده برای چند روز هم ممکنست‌این دستور را رفتار کرد تا شیر در پستان مادر پیدا شود » (١)

اینك در شیر دادن طفل و فاصلهٔ مدت بین شیر دادن بعضیها عقیده دارند چهار ساعت یك مرتبه بعضی سه ساعت در هرحال باید یك قاعدهٔ مخصوصی داشته باشد و الاهر وقت طفل گریه کند برای آرام‌کردن آن پستان بدهان بگذارند این خطاست واگر بخواهند از ناخوشی و خرابی معدهٔ طفل جلو گیری شود بهتر است برای طفل نوزاد دو ساعت بدو ساعت بعد سه ساعت بسه ساعت همینکه بسن شش ماه رسید چهار ساعت بچهار ساعت بطور منظم شیر دادو هم باید عادت داد که درشب

(١) صفحه ٦٥٦ از کتاب علم حیات جدید «جان کوون»
The Science of A New Life By John Cowan, M. D. London. 1905

بهیچوجه شیر داده نشود که فوق‌العاده هم برای طفل و هم برای مادر بد و مضر است .

طفل را باید خودمادر شیر بدهد و هیچ لذتی برای مادر بهتر از لذت شیر دادن بطفل خود نیست در حقیقت هر مادری که نتواند بچه های خود را خود شیر بدهد اساسا نباید چنین مادری طفل بیاورد وهیچ مردی نباید چنین کسی را شریك عمر خود بکند در این باب باید دقت فوق العاده نمود دختری که میخواهد نام مقدس مادری را دارا شود باید از بنیه و استعداد تربیت اطفال آیندهٔ خود کاملا اطمینان داشته‌باشد و الا یك خانواده را سیه روزگـار کرده است.

چندی قبل در امریکا کنگرهٔ از نسوان تشکیل شد و یکی از بحثهای آن کنگره این بود که میخواستند بدانند بزرگترین زنها در دنیا کیست نتیجهٔ که بعد از بحثهای طولانی گرفته‌شده اینست : آن زنی که خانهٔ خود را مرتب و منظم میکند و اطفال خود را خود شیر داده و برشد میرساند و آنها را تربیت کرده یك وجود های مفیدی برای ملت ووطن خود تهیه میکند آن زن بزرگترین زنهای دنیاست .

این راهم باید دانست‌تا دختربسن ۲۴ سال نرسیده نمیتواند اطفال قوی البنیه و تندرست بیاورد چه تا بآن سن نرسیده رشد اعضاء او تکمیل نشده است یکی از علل انحطاط ملت ایران از اینجاست که از سن کم پسران زن داده و دختران را شوهر میدهند و اطفالی که از این وصلتها پیداشوند تماماً ضعیف، لاغراندام، بی قوه، رنگ زرد،کم خون و اگر بسن رشد برسند کم عقل یا بیهوش یا تنبل و نالایق خواهند شد .

اگر از علم تشریح و فیزیولوژی اطلاع داشته باشید میدانید من چه میگویم و آن یك بحث طولانی دارد که اینجا مورد ندارد همین قدر کافیست اگر بخواهید اطفال شما زیست کنند و بحد رشد برسند و انسان قوی البنیهٔ باهوش جدی و برای مملکت مفید باشندبهترین سن که برای داشتن اولاد مناسبست برای مرد سن ۲۹ یا ۳۰ و برای زن سن ۲۴ یا ۲۵ سال در سالهای پائین تر از این مناسب نیست‌واینکه اینهمه اطفال تلف میشوند وجوانان ومردان ودختران یا زنهای‌ایرانی کوچك اندام کم جثه یا کم خون یا علیل المزاج ومبتلا بانواع‌واقسام ناخوشیها هستند علت عمده ازدواجست که بدون رعایت سن و سال صورت میگیرد دیر یا زود این موضوعات پیش خواهد آمد ویك روزی خواهد رسید که این مسائل مورد توجه عامه واقع شود وآن روزیست که ایرانی بفکر بقای نسل خود بیفتد .

تربیت خانواده ـ تذکر بعضی نکات لازم

در فصل گذشته از تولد طفل صحبت شد فرض میکنیم یك‌چنین طفلی از یك پدر و مادری که دارای شرایط مخصوص میباشند پیدا شد و روز ها و هفته ها و ماههای اولیه آن طوریکه اشاره شد گذشت یك طفل با بنیه و تندرست بار آمد درشیردادن و شست وشو ـ پوشش و هواخوری و گردش و سرد وگرم نگاهداشتن دقتهای لازم را بجا آوردند واز خوراندن حب های کیف و سایر داروهای مکیف احتراز کردند پدر و مادر کاملا رعایت حفظ الصحهٔ طفل را نمودند و خودشان نیز از استعمال الکل و مشروبات تند زننده و دخانیات اجتناب نمودند

طفل سال اول خود را بپایان رسانید اینك تربیت اولیه کـه موسوم بتربیت خانواده است شروع میشود طفل جسته جسته سخن گفتن آغاز میکند در این موقعست که باید تمام نکات اخلاقی را در نظر گرفت و اگر از این تاریخ ببعد در الفاظ و کلمات اولیه که ذهن سادهٔ طفل مستعد فرا گرفتن آنهاست دقت لازم نشود در قدم اول خوداسباب خرابی دماغ و صفات اخلاقی آتیهٔ طفل را فراهم آورده .

این بسیار عادت بدیست که پدر و مادر یا هر یك از خویشاوندان و بستگان اطفال خوردسال را با کلمات خارج از نزاکت میخوانند واز سال اول طفل را بگفتار الفاظ رکیك عادت میدهند این خود یکی از عللیست که اطفال را بسوء خلق و ادای کلمات زشت وامیدارد و در آتیه برطرف کردن آن خیلی مشکلست اغلب اوقات دیده شده الفاظ زشت را بدهان اطفال گذاشته و باصرار و امیدارند بـرای خنده و تفریح حضار آنهارا تکرار کنند و رفته رفته ملکه و ذهنی طفل شده در هر مجلس و موقعی آنهارا ادا میکند .

وقتی که در اول گفتار زبان طفل باین نوع کلمات عادت کرد و در مغز او جای گرفت اخراج آن باین آسانی ها ممکن نیست چه دماغ طفل حساس تر از هر چیز حساسیت که تصور شود وقتی که صورت یك کلمه در آن نقش بست آنهم بطرز خنده و گشاده روئی و در هر تکرار هم عوض منع از طرف پدر و مادر یا حاضرین یك مقدار خنده تحویل گرفت بعدها شستن آنصورت از نهاد طفل جز بترش روئی وتهدید یا به تنبیه صورت نمیگیرد وقتیکه کار بدینجا کشید اول خرابی دماغ اطفالست زیرا که ترش روئی و تغیر و تشدد نسبت باطفال خوردسال باعث

عدم رشد و نمو آنهاست نگاه های محبت آمیز پدر و مادر اسباب حیات طفلست تغیر و تشدد علل قطع نمو و رشد اوست وقتی که پدر یا مادر با یك قیافهٔ عبوس بطفل خود نگاه میکنند خوبست در همان حین در حال آن طفل هم دقت کنند آنوقت ملاحظه خواهند نمود چگونه طفل کدر و پژ مرده شده است و این رفتار حرکات دماغی اورا بکلی مختل میکند اگر این قیافهٔ عبوس تغیر و ضرب هم در دنبال داشته باشد پناه بر خدا یقین بدانید از رشد قوای دماغی او جلو گیری شده است و رفته رفته تکرار این رفتار دماغ طفل را از کار می اندازد و در نتیجه یك انسان ناقص العقل بعرصه میآورد پس بهتر اینست که از اول بهیچوجه الفاظ زشت و رکیك را باطفال یاد نداد چه همینکه بزرگ شدند اگر بخواهید ادای آنها را ترك کنید بآسانی ممکن نیست و اگر بخواهید بتند خوئی از آنها جلوگیری کنید از رشد دماغیشان جلو گیری کرده اید و این ترتیب بسیار زیان آور است .

در حقیقت یك قسمت عمدهٔ از این مراقبت بعهدهٔ مادر است چه در این سن بلکه تا تربیت مدرسه شروع شود طفل کاملا در اختیار مادر است و باید کلمات خوب و عبارات شیرین و اخلاق نیکو و پسندیده را از مادر فرا گیرد و اوست که باید دقت کامل در گفتار و رفتار طفل داشته باشد و هر گز راضی نشود طفل او برای یك دفعه هم شده یك لفظ یا کلمهٔ زشت را بشنود یا ادا کند یقین بدانید مضر تر از این برای آتیهٔ طفل چیزی دیگر نمیشود تصور کرد .

موضوع مهم دیگری که باید کاملا رعایت شود آنموضوع اوقات تلخی با غم و غصهٔ مادرست اولا در مدت شیر دادن که یکسال و نیم تا دست

ماه طول خواهد کشید مادر باید مواظبت کامل داشته باشد که با حال غم و غصه یا اوقات تلخی هیچوقت بطفل خود شیر ندهد ولو هر قدر وضع زندگانی برای او نا مساعد باشد .

باید دانست در دنیا خوشی و راحتی مطلق وجود ندارد و خداوند چنین موجودی را خلق نکرده هر ذی روحی مخصوصاً بشر گرفتار اقسام مصائب حیاتیست و تصور میکند دائماً انواع گرفتاری در بالای سر او دور میزنند فقط فکر یکی از اینها کافیست که خیال انسانرا پریشان کند تا درجهٔ تمام اینها خیالهای واهیست که روح بشر را دائماً درزحمت دارند در صورتیکه هزار یکی از این خیالات بشری صورت وقوع پیدا نمیکنند .

انسان هر قدر مجرب و مطلع و پیش بین باشد باز گاهگاهی گرفتار نوع مصائب خیالیست و بدون اراده و اختیار یک وقت میبینند امواج دریای بی‌پایان خیال اورا احاطه نموده وکاملا غوطه‌ور ساخته اند ولی غالباً این اوهام باشخاصی هجوم میآورند که ساعات ایام عمر عزیز را بیهوده و ببطالب میگذرانند اگر قوای بدنی یا حواس خود را مشغول کنند آنهم بکارهائی که نتایج مفید داشته باشد هیچوقت فرصت خیال این نوع اوهام را نخواهند داشت پس راحتی خیال و خوشی زندگی در کار کردنست و مشغول نمودن چشم و دماغ که‌نتیجهٔ آن برای خود و دیگران سومند است .

اگرزندگی‌اولیای اطفال طوری باشدکه مشغول‌انجام کارهای مفید باشند و جسم و روح خود را مشغول کنند هیچوقت غم وغصه بآنها زور آور نخواهد شد میتوانند ساعات فراغت از کار رابخوبی و خوشی

بگذرانند بیکاری و تنبلیست که اسباب . تولید غم وغصه است زیرا انسان تنبل راحت طلب همیشه معذبست درینصورت مادر باید مدام خودرا بواسطهٔ مشغولیات سود مند از غم و غصه دور بدارد و اگر خدای‌نکرده گرفتار این نوع مصائبست خوبست اقلا دو وقت شیر دادن فکر غم وغصه راا از خود دور بکند و الا طفل خودرا غمگین و محزون بار آورده است.

مکرر دیده شده که مادر با حالت غم و غصه طفل خود را شیر داده طفل در وسط شیر خوردن رقت کرده از پستان جدا شده گریه آغاز کرده است مادر ها لازمست بدانند که در وقت شیر دادن باید کاملا خود راا از بند غم و غصه آزاد کنندو هر فکر عالی خوب و پاك ممکنست در نظر بیاورند و در باب آنها فکر کنند .

از طریق شیر دادنست که مادر میتو اند هر استعدادی را که میخواهدطفل او در زندگانی خود دارا شود در نهاد او بهمان وسیلهٔ شیر دادن جای دهد .

فرض کنید اگر مادری بخواهد طفل او یك مرد دانشمندی باشد یا یك صنعتگر ماهری بشود یا یك شخص نظامی باشد لازمست که همیشه در وقت شیر دادن خیال خود را مشغول زندگانی مردان دانشمند مخترعین بزرگ یا سر داران نامی بکنند و از اعمال و گفتار آنها فکر کنند بدون تردید طفل او وقتی که بحد رشد و کمال رسید یك مرد دانشمندی یك مخترع ماهر یا یك سردار بزرگ خواهد شد.

دکتر جان کاوون در کتاب علم حیات جدید در صفحه ۱۳۹ باینموضوع اشاره نموده‌تأثیر افکارمادر را در طفل چه دروقتی که طفل

در رحم مادر است و چه در هنگام شیر دادن برای ساختمان فکری و دماغی طفل : میگوید « طفل مانند گل است در دست یك کوزه گر ماهر که هر نوع ظرفی بخواهد از آن میتواند بسازد » .

درجای دیگر میگوید : «اگر پدر ومادر بخواهند اولاد آنها از استعمال الکل یا دخانیات در مدت حیات خود احتراز کنند قبلا باید خودشان احتراز کنند و این عدم استعمال و اظهار نفرت از آن در طفل آنها تأثیر نموده مادام الحیات از رؤیت الکل و دخانیات فراری خواهند بود»

مثلا غالب اشخاص الکلی این عادت مخرب بشری را بطور ارث دارا شده اند یا پدر و مادر هر دو این عادت را داشته اند یا یکی از آنها و این خود کافیست که طفل آنها را در آتیه گرفتار این بلای علاج ناپذیر یعنی الکل بکنند در جای دیگر میگوید » : اگر اولاد صالح امین درست با بنیه و صحیح المزاج میخواهید باید از تمام اعمال زشت مخالف عصمت وعفت و اخلاق احتراز کنید حتی در وقت شیر دادن از گفتار و یا از خیال کردن آنها هم باید احتراز کرد چه در اینموقعست که هرچه در خانواده جریان دارد بواسطهٔ خیال و تفکر مادر در نهاد طفل مانند تصاویر فنا ناپذیر نقش خواهد بست .

اگر مادر عادت زشت و شوم دروغگوئی را دارد یا اخلاق ناپسند دیگر داشته اگر از این صفات مخالف صفات انسانیت در وقت شیردادن احتراز نکنند بدون شك این صفات رذیله را بارث بطفل خود داده است که در حد رشد و بلوغ اسباب ننگ خانواده و قوم و ملت خود خواهد بود .

در هر حال اگر خدای نکرده پدر و مادر دارای یکی از اخلاق نا پسند باشند باید کاملا از طفل خود مستور دارند حتی فکر آنرا هم هم در مخیلهٔ خود راه ندهند که مبادااولاد آنها نیز باین خلق ناپسند گرفتار شوند.

مخصوصاً مادر باید در مدت شیر دادن طفل بلکه در سالهای بعد نیز تا ابتدای تربیت مدرسه در امور راجعهٔ بمنزل و غیره دقیق و مواظب ومرتب و منظم باشد و رعایت این نکتهٔ مهم رابکند که در این اوقات هر قدر در امور دقیق باشد نظم و ترتیب را در کار رعایت کند بهمان اندازه طفل دقیق و منظم و مرتب بار خواهد آمد و اندك غفلت در اموری که متعلق بمادر است در طفل مؤثر خواهد شد اگر در اوقات‌دیگر غیرمنظم و در امور رعایت‌نظم و ترتیب‌را نکرده درینموقع بخصوص باید کاملا رعایت کند که برای حیات آتیهٔ طفل فوق‌العاده مفید و سود مند است.

یك نکتهٔ دیگر که تذکر آن بسیار نافعست نزاع و مجادله در خانواده است خواه بین پدر و مادر یا با کسان و اهل خانواده باید در این باب مقید شد که در اوقات شیر دادن و بعد ها در تمام دورهٔ تربیت خانواده بکلی مناقشه و نزاع و مباحثات تند و خشن را در حضور طفل کنار گذاشت و تا اطفال حضور دارند لازم بلکه واجبست که از اینمقوله ها گفتگو نشود حتی زمانیکه اطفال حضور دارند نباید داخل مباحث جدی شد زیرا مباحث جدی با حضور اطفال دو عیب اساسی دارد اولا طفل مشغول بازیست و حرکات طفلانهٔ او طرفین مباحثه‌را عصبانی میکند ناچارند طفل را بتشدد و تغیر ساکت نمایند

در صورتیکه تشدد و تغیر برای ساکت کردن طفل مضر است ثانیاً دماغ طفل برای اینگونه مباحث آشنا نیست مغز لطیف اواز شنیدن این نوع مذاکرات خسته و کسل میشود در هر صورت باید درحضور اطفال از صحبت های جدی و مباحث علمی احتراز نمود .

در حقیقت اگر بخواهید اطفال شما برای جامعهٔ که شما از افراد آن هستید مفید باشد که همیشه و مدام و مخصوصاً در دورهٔ تربیت خانوادهٔ آنهارا باحالت گشاده روئی بپذیرید یا خنده و قیافهٔ باز آنها را در آغوش بگیرید در هر موقع صحبت ها و کار های اطفال را با قهقهه خنده و بشاشت قبول کنید آنها را تشویق کنید صحبت کنند اگر کلمات را بدادا میکنند با زبان طفل اصلاح کنید از اول دقت کنید هر کلمه را درست یاد بگیرد ولی بدون فشار از تعلیم کلمات مشکل کاملا احتراز کنید هر وقت که اوقات تلخ هستید با طفال نزدیك نشوید و با عبوس خود را بایشان نشان ندهید چون فوق العاده مضر است .

داستان دلسوزی را خانم (در یك) (۱) در کتاب خود که برای نسوان نوشته و یك هزار تومان برای آن کتاب جایزه گرفته است حکایت میکند که بسیار مناسبست در اینجا بآن اشاره شود .

میگوید : « یك روز طفل خورد سال من دوید خود را بدامن من انداخت و با یك حالت تألمی اظهار نمود ماما جان خانه چرا چنین تاریك شده است مگر میخواهد طوفان بشود گفتم نه عزیزم تاریك نیست ببین آفتاب چطور میدرخشد طفل دوید طرف پنجره و فوری مراجعت

(۱) What a young wife cenght To Know By Mr. Em- ma F. Cingell Drake, M. D. P. 216

نمود اظهار کرد بلی میدرخشید ولی باز تاریکست من فوری منتقل شدم که طفل در تحت تأثیر قیافهٔ من واقع شده زیرا که من سخت گرفتار خیالات غم انگیز شده بودم از جا بر خاستم گفتم عزیزم برویم بیرون شایدهوا تغییر کرده باشد در این هنگام من بکلی خود را از آن خیالات حزن انگیز کنار گرفتم وقتیکه از بیرون داخل اطاق شدم من قیافهٔ خود را بکلی تغییر داده بشاش و خندان بودم همینکه نگاه طفل بصورت من افتاد گونه های او سرخ شده با یك خندهٔ شیرین گفت ماماجان چقدر خانه روشن شده و شما خوشحال و خندان هستید » .

اولیای اطفال باید بدانند در هر درجه از درجات زندگی که واقع شده اند خواه آن مشکل باشد یا آسان بایستی امرار حیات کنند یاغمین باشندیاخوشحال درهرصورت ناچارو مجبورندکه با اطفال بملایمت و ملاطفت و گشاده‌روئی بر خورد بکنند اگرغیرازاین بکنندنه‌تنهاروزگار خود را با غم و اندوه گذرانده اند بلکه حیات آتیهٔ آن طفل معصوم را هم گرفتار غم و اندوه نموده اند که در سالهای بعد که طفل بحد رشد و تمیز برسد نتواند از نعمات حیات بر خور دار بوده بلکه همیشه محزون و غمگین باشد .

همیشه سعی کنیدجنبهٔ خوب و زیبای‌دنیارا بطفل معرفی کنید تلخیهای حیات را هرگزنگذاریدبکام طفل راه پیدا کند طبیعت چیزی‌بد خلق نکرده و پیدایش هر موجودی‌برای‌یك خاصیت مخصوصیست بقول خداوند اخلاق امروزی لرد اوبوری (۱) « نباید از خار گل شکایت نمود بلکه باید از وجود خار خوشوقت بوده که گل بار آورده »

---

(۱) Lord auebury

باید تصدیق کرد که اغلب تلخیها را خود انسان با دست خود برای خود تهیه میکند طبیعت از خلقت آنها بی خبر است اگر تلخ کامی های یك نفررا با علل غم واندوه‌اورا بدقت تحقیق کنید خواهید دید صد نود خود باعث و مسبب آنها بوده اگر ده در صد باشد که بوسیلهٔ محیط یا کیفیات یا حوادث نامساعد روزگار برای او تهیه‌دیده که طبیعت از وجود آن کاملا بی خبر است .

اگر شخص عاقل و پیش بین و مآل اندیش باشد ممکنست از وقوع تمام آن مصائب و محن جلوگیری کند یا اقلا از شدت آنها بکاهد و هیچ یك نشود اگر دنیا و زمان و احوال بشرراشناخته است و دارای عزم‌ثابت‌و ارادهٔ‌محکم‌باشدممکنست‌باثبات قدم‌ورشادت با آنهابرخورد کند و با تحمل و برد باری علاج آن مصائب را بنماید و از خود آنهارا دور کند اگر اینطور باشد بهیچوجه نخواهند گذاشت اطفال او از مصائب و محن او اطلاع پیدا کنند یا در قیافهٔ آنها آثار حزن و اندوه مشاهده نمایند زیرا که باحوال دماغی و ساختمان فکری اطفال مضر است .

بهترین معلم طفل مادر است - تذکر بمادر

اینك طفل ما که شرح تولد و حفظ‌الصحهٔ آن در فوق گذشت شروع بگفتار نموده است و هر چیزی جلو پایش میاید از آن سؤال میکند وهر چیزی که نظر اورا جلب میکند ازحال آن استفسار مینماید مغز او مانند یك سرچشمهٔ جاریست هر دقیقه یك چیز تازهٔ در مغز او پیدا میشود میخواهد درآن باب سؤال کند فقط مادر است که دردسترس اوست تمام این سؤالات را باید از مادر خود بکند و انتظار دارد تمام سؤلات اورا مادرش با زبان خود او جواب دهد و از ساختمان دماغی

او اطلاع داشته باشد که بداند چگونه باید آنرا تربیت نمود و آنرا برای فرا گرفتن اطلاعات مهمتری آماده ساخت اشکال مهم اطفال ایرانی و بدبختیهای عمدهٔ آنها غالباً ازاین مرحله شروع میشود مادری که بایدطفل را تربیت اخلاقی و خانوادگی بدهد در جامعهٔ ایرانی وجود ندارد چه در تربیت آنها اهتمام نشده و حتی امروز هم نمیشود آنچه می بینم و در جریانست تماما سطحیست و هیچ عمقی ندارد کتب مدارس آنها معلومست مادر هائی که بااین کتب وبا این طرز تعلیم تربیت بشوند بحال اطفال آتیه مفید نیستند در هر حال از این مبحث میگذریم چه موضوع بحث‌ما تربیت خانوادگی اطفالست باید طرز آنرا بیان نمود شاید احتیاج آنهارا بوجود آورد . اطفال امروزی که تعلیم و تربیت آنها موضوع بحث ماست مادرهای اطفال آتیه‌هستندممکنست‌درسایهٔ رعایت‌همین اصول تربیت که باساس آن در این رساله اشاره شده مادر های دانشمند و بصیر پیدا شوند آنوقتست که بهر چیز این مملکت و ملت میتوان برای آتیه امیدوار شد فرض میکنیم چنین مادر هائی امروزه وجود دارند ومایل هم هستند که اولاد آنها درست تربیت شود ولی فراموش کرده اند وگناه هم ندارند چه میشود کرد فراموش شده بزرگان ما نیز فراموش کارند لازمست بار دیگر بطرز نیکوئی تذکر داد و از این تذکر هم هیچ نمی رنجندبلکه ممنون هم میشوند .

طفل برومند که دست و پای اورا ریسمان قنداق فلج نکرده و حفظ‌الصحهٔ آن کاملا رعایت شده باشیر مادر خودش بزرگ شده و در ماه ۱۱ یا ۱۲ شروع براه رفتن میکند و ۱۷ یا ۱۸ ماهه جسته جسته بصحبت آغاز میکند و در دو سالگی خوب حرف میزند و همه چیز را

خوب می فهمد و خوب می فهماند در این تاریخست که باید مادر کتابچهٔ سؤالات او واقع شود و هرچه سؤال میکنند بطور واضح وروشن جواب بدهد و هر سؤالی که جواب آن مطابق فهم او نیست توضیح آنرا با یك زبان ساده و خوش آهنگ بخوبی میشود بوقت دیگر موکول نموده و حالی کرد که حالا موقع جواب این سؤال نیست مادر باید سعی کند که طفل کاملا بقول و گفتار مادر خود باور کند هیچوقت خلاف واقع نگوید و اگرنتواندجواب سؤال اورا بدهدبدرشتی و تند خوئی سؤال اورا رد نکند با کمال ملایمت حالی کند که بعدها فکر کرده جواب خوب خواهد داد و سعی کند جواب صحیح تحصیل نموده بطفل خود بگوید و خیال اورا راحت کند والا دماغ متجسس طفل ساکت نخواهد شد و مصر است یك جواب صحیح برای سؤال خود تحصیل کند.

از اینجا ست که میگویند مسؤلیت دانستن و عدم دانستن طفل متوجه مادر است اگر طفل چیزی نمیداند برای اینست که مادراو نمی دانست و اگر چیزی فرا گرفته آنرا از مادر خود فرا گرفته است باز بر میخوریم بحقیقت موضوع که در تربیت مادر ها باید بیشر اهتمام نمود .

اگر چه من در اینموضوع در جای دیگر مفصلا صحبت خواهم کرد ولی بی مناسبت نیست در اینجا نیز که موقع مناسبست مختصری اشاره شود .

در هر دوره و زمان که یك مرد نامی و فوق‌العاده بعرصهٔ وجود آمده و اسباب افتخارو برازندگی ملت خود شده است یقین بدانید دارای یك مادر لایق و قابل بوده خوشبخت طفلی که مادر عالم مطلع فهیم و

لایق دارد یك چنین طفلی بآسانی میتواند در دورهٔ حیات خود مشکلات زندکانی را از پیش بر دارد و در تمام دورهٔ عمرش بخوشی زندگانی کند چون که از مادر خود در دورهٔ تربیت خانوادگی ببطون زشت و زیبا بر خورده است و از مادر خود فهمیده است که از چه چیز باید احتراز کند و چه شکل زندگانی خود را باید اداره نماید صفات پسندیدهٔ که امروزه برای یك مادر می شمارند عبارت از یك زندگانی ساده و بی آلایش و تجملاتست هر قدر متمول و دارا باشد با کمترین وجهی میتواند امور خانهٔ خود را با کمال نزاکت و خوبی اداره کند بغذای ساده لباس زندگی ساده خو گرفته باشد یك چنین زنی در سایهٔ علم و اطلاع میتواند مرد خود .و اولاد خود را بزندگی بشری که با سعادت توأم باشد آشنا کند و آنهارا هم بمیل و سلیقهٔ خود اداره نماید.

تا حدی معلومات داشته باشد که بین حقیقت و اوهام فرقی بگذارد و بداند چگونه وقایع و حوادث مهم گذشتهٔ وطن خود را بطور قصه و افسانه در مغز اطفال خود جای دهد و چگونه حس احترام نسبت بآئین ملت خود در قلب آنها بگنجاند و چه قسم روح وطن پرستی در قالب آنها بدمد و تمیز بدهد ملت و وطن او بچه نوع مردان احتیاج دارد که اولاد خود را برای همان مقصود تربیت کند.

البته تربیت یك چنین مادر هائی برای یك ملتی الزم از هر اقدامست و هر ساعت قصد کنند بمقصود خواهند رسید.

اینجاست که باید انسان دست های خود را بسوی خداوند دراز کرده بگوید خدایا بآن طفلی که مادر خوب دادی چه ندادی و بآن طفلی که مادر خوب ندادی چه دادی ؟.

خوب در نظر خود مجسم کنید یك طفل سه چهار ساله درزانوی مادرخود نشسته مادری که‌مادرنظرداریم صاحب صفات انسانیت که عبارتست از عفت عصمت معلومات خوشی‌خلق برومند بحد رشد و کمال رسیده عاری از تجملات و آرایش هائی که مخصوص زنان سبك مغز است طفل یك چنین مادری از پیدایش طفل نوزاد خواهر یا برادر خود که چند روز بیش نیست متولد شده سؤال میکند و میخواهد بداند این طفل کجا بود چگونه پیدا شد از کجا آمد البته مادری که دارای معلوماتست جوابهای کافی باو خواهد داد و طفل را بطرزخوشی قانع خواهد کرد طفل از شنیدن آن راضی و خوشحال خواهد شد این نوع صحبت ها اساس اولین و درس علمی طفل خواهد بود و البته یك چنین طفلی از چنین مادری تا بحد تمیز برسد بمقدمات علمی آشنا شده است .

بدون شك تصور یك چنین منظرهٔ اسباب فرح و انبساط بی پایانست چقدر سود مند بود اقلاعده از مادر های ما بوظائف مادری آشنا بودند امروزه اطفال ملل متمدن دروس و تعلیمات اولیه را درجزو تربیت خانواده از مادر فرا میگیرند . « بد بخت اطفال ایرانی »

حفظ الصحهٔ اطفال

واجب تر از هر چیزی برای خانواده داشتن یك طبیب ماهر و حاذقست که طرف اطمینان خانواده باشد پدر که تا اندازهٔ معلومات داشته باشد میتواند یك چنین طبیب مجرب و مطلعی را انتخاب کند لازمست قبلا از صفات حمیده و معلومات علمی او مطلع باشد چه بسا اشخاص فرومایه و پست فطرت که این نام نیك طبابت را بخود بسته اسباب ننگ این حرفهٔ شریف شده‌اند باید از این شیاطین انسان صفت احتراز کرد و نمی شود انسان خانوادهٔ خود را بهر کسی باسم طبیب معرفی کند باید یك چنین طبیبی مرد درست امین عالم و بصیر خوش نیت و پاکدامن باشد بچنین طبیبی مادر میتواند در مواقع لازم طفل خود را نشان بدهد ولی یك مادر با معلومات و مطلع هیچوقت نمیگذارد طفل او کسالت پیدا کند که محتاج مشورت یا معاینهٔ طبیب باشد در هر حال مواقعی پیش میآید که مادر ناچار است بطبیب خانواده مراجعه کند ولی طفل را باید از گرما و سرمای تند و زننده محفوظ داشت لباس موافق فصل بطفل بپوشانید هرچه بتوانید لباس پشمی نازك و سبك برای طفل تهیه کنید لباس کتان و پنبه حتی در تابستان برای طفل خوب نیست اگر بشود همه را از پشم لطیف و نازك تهیه نمود چه بهتر باید دقیق باشید که لباس شب طفل از لباس روز جدا باشد و در وقت پوشانیدن دقت لازم باید بعمل بیاید که جانوران موذی در لباس طفل رخنه نکرده باشند.

در شست و شوی طفل باید خیلی دقیق بود بهتر از هرچیزی یك حمام کوچکیست که طفل را دریك اطاق محفوظ شب وقت خواب یا صبح قبل از

ظهر بآب گرم و صابون خوب شست بعد لای پا زیر بغل گردن زیر گلو را پودر زد که عرق جوش نکنند بهترین مادر ها خودشان این وظائف را انجام میدهند هیچوقت طفل را بامید کلفت یا دایه و پرستار نباید گذاشت .

وقتی که طفل را با نظافت فوق الذکر پرورش دادی هیچوقت در موقع حمام گریه و بی تابی نخواهد نمود و حمام هر روزه اسباب فرح و انبساط اوست بعد از شست و شو بدون شك یك خواب راحت وخوش خواهد کرد از حمامهای گرم عمومی باید احتراز کرد که برای طفل مضر است (ترتیب شیر دادن قبلا اشاره شد)

هیچوقت طفل راعادت ندهید در شب شیر بخورد هم برای طفل و هم برای مادر هر دو مضر است وقتیکه از اول عادت نکرد از سر شب تا صبح در کمال راحت بدون اینکه بیدار شود خواهد خوابید و اگر بیدار شود پهلو بپهلو کنید با کمی نوازش و زمزمهٔ مادری مجدداً بخواب خوش فرو خواهد رفت - از قنداق وپیچیدن طفل احتراز کنید این بسیار عادت بدیست که دست و پای ن طفل را در قنداق محکم بسته و مانع از حرکت اعضاء و دست و پای طفل میشوند این عمل از رشد ونمو طفل جلوگیری میکنند باید دست و پای او آزاد باشد که در وقت بیداری بازی کند .

گهواره و تکان دادن و بطور مصنوعی طفل را بخواب کردن مخالف حفظ الصحه است طفل را اگر موافق حفظ الصحه نگاهداری کنند بهیچوجه محتاج این نیست که اورا بزحمت ساکت و آرام کنند یا بخوابانند .

طفل صحیح المزاج که از پدرو مادر صحیح المزاج و تندرست بوجود آمده باشد و مطابق حفظ الصحه پرستاری بشود در ماههای اول تولد خود بدون زحمت بیست ساعتی از ۲٤ ساعت شبانـه روز را بخواب خواهد رفت فقط در موقع تر شدن دستمال یا گرسنه شدن بیدار میشود همیکه شیر خورد مجدداً بخواب میرود.

هیچ چیزی بهتر از هوای آزاد و صاف برای نمو و رشد طفل نیست باید خوب اورا بپوشاند و اگر ممکن شود در توی درشگهٔ بچگانه جای گرم و نرم خوب برای طفل درست کرد و گذاشت درهوای آزاد راحت بخوابد اینطریقه برای صحت و سلامت طفل بهترین هوا خوریست .

از بوسیدن اطفال خود داری کنید و نگذارید دیگران هم آنها را ببوسند چه اشخاص یا خویشان طفل اگر هیچ نوع ناخوشی و مرضی نداشته باشند اقلا دخانیات استعمال میکنند و نفس آنها بنفس طفل کـه برسد مضراست یك مادر با اطلاع راضی نمیشود طفل اورا یك نفر که استعمال دخانیات میکند هر قدر هم خویش نزدیك باشد ببوسد این همه مضرات که برای دخانیات می شمارند یقینست اگر پیغمبر اکرم بار دیگر بدنیا مراجعت فرمایند این را هم مانند سایر مسکرات حرام خواهند فرمود چون بد ترین عادات مضره است که انسان مبتلا شده است .

توجه اطفال باید با خود مادر باشد مادری که نتواند خود اولاد خود را شیر بدهد و پرستاری کند و در زیر چشم خود بزرگ کند بهتر بنست که هیچوقت مادر نشود که دارای اولادی باشد مادر صحیح المزاج بنیه توجه و پرستاری اطفال را یك نوع تفریح میدانند اگر حفظ الصحه سایر وسائل تندرستی رارعایت کندو از وضع ساختمان و طریقهٔ نگاهداری

بدن خود مطلع باشد از نگاهداری اطفال خود هرگز خسته و ناتوان نخواهد شد اینکه غالب مادر ها مخصوصاً مادر های خانواده های متمول نمیتوانند در این مسئلهٔ بخصوص موفقیت حاصل کنند علت همان عدم رعایت اصول حفظ الصحه و عدم توجه بحفظ وجود خود میباشد و گناهی بزرگتر ازاین نمیشود تصور کردکه یك مادر بواسطهٔ علل وجهاتی که خود مسبب آن بوده رشد و نمو و پرستاری اطفال خود را بامید دایه و پرستار بگذارد بهترین غذای طفل شیر مادر است بهترین پرستار طفل خود مادر است بهترین همبازی طفل خود مادر است بالاخره بهترین دلسوز طفل خود مادر است وهر مادری که انجام این وظیفه را از خود دور کرده و بامید دیگران میگذارد یك گناهی را مرتکب میشود که در پیشگاه عدل وانصاف قابل بخشش نیست .

فقط چیزی که اسباب رشدونمو وخوشحالی وراحتی طفلاستهمان مادر است وبس هیچ زنیدر دنیا نمیتواند جای مادر را بگیرد .

اطفال ذکی

همه کس طالبست که اطفال ذکی باهوش جدی یاکدامن امین بی عیب مطیع و مفید داشته باشد ولی نمیدانند چگونه باید آنها را باین صفات نیك متصف کرد .

اگر اطلاعات انسان قدری وسیع باشد و بمعلومات و علوم امروزه تااندازهٔ آشنا شود میداند کههیچ موجودی بدون یكمسبب اصلی صورت خارجی پیدا نمیکند و همچنین برای هر صنعت نیك و بد نیز یك سبب وعلتیست که یكموجود علاوه بروجود خود صفات مخصوصی نیز داراست ، بقول علماء اخلاق صفات نیك و بد بشر از جزء و کل در

تحت تأثیر تربیتست یك طفل نوزاد همینکه قدم بعرصهٔ وجود گذاشت در تحت توجه و تربیت ممکنست تمام صفات نیك انسانیت را بمرور زمان تعلیم بگیرد ورفته رفته یك انسان پاك و منزه بعرصه وجود آید واگر خدای نخواسته یك چنین پیش آمدی برای آن طفل دست ندهد و مربیان صحیح نصیب اونشود یك چنین طفلی ممکنست یکی ازمردمان شرور وباصفات بهائم بزرگ شود وجامعه ازوجود او جز ضرر بهرهٔ دیگر نبرد در حقیقت این یك نوع صفات عرضیست که بواسطهٔ محیط و مربی طفل دارا میشود اما یك صفات ذاتی نیز وجود دارد که اگر بخواهند تمام آنها در یك موجودی جمع شود و بطور ارثی آنها را دارا باشد لازمست خداوندان طفل قواعد مخصوصی را رعایت کنند بدون رعایت آن قواعد نتیجهٔ مطلوب بدست نمیآید .

بواسطهٔ تحقیقات اخیری که علماء علم النفس کرده اند تمام صفات نیك انسانیت را میتوان در یك طفل جمع آورد و هر صنعت یا پیشهٔ را که بخواهند طفل در مدت عمر خود آنرا تعقیب کند وبدرجهٔ کمال برساند ممکنست بواسطهٔ پدر ومادر مخصوصاً مادر در نهاد طفل جبلی کرد البته تمام اینها در تحت یك قاعدهٔ مخصوصیست که باید پدر و مادر طفل آن قواعد را رعایت کنند داستان این موضوع در این محقر رساله نگنجد ، اشخاصی که حقیقتاً بآتیهٔ درخشان ملت و وطن خود علاقه مندهستندلازمست دراینموضوع بخصوص قدری دقیق شوند شاید بهمت ایشان اقلا قسمتی از نسل آیندهٔ ایران از این حال خمودت و ضعف مزاج و تنبلی و بیقیدی برهند و یك عده انسان کامل ایرانی بوجود آیند حافظ از حلقوم دهقان سالخورده بنور چشم خود گوید

که بجز از کشته‌ندروی چه اندرز محکمیست در حقیقت یك قانون کلیست که گندم از گندم بروید جو ز جو یقین بدانید از یك پدر الکلی و ضعیف المزاج و از یك مادر لاغر اندام علیل جز طفل کم خون علیل المزاج نیاید یا از یك مرد بله و بیشعور کم عقل و مادر بی اطلاع خالی از فهم و ادراك جز طفل بی شعور پیدا نشود.

هنوز اولیای امور پی باین نکته نبرده اند که بهبودی نسل آتیهٔ یك ملتی در بهبودی و صحت بدن نسل حاضر است.

وقتیکه انسان هیکل و قیافهٔ نسل حاضر را در نظر میگیرد میبیند هیچ امیدی ببهبودی نسل آتیه نمی تواند داشته باشد ملت ایران امروز عبارت از یك مشت مردمان خمیدهٔ ضعیف المزاج کم خون بامور دنیا بی‌قید و بی اطلاع در جاهائی زندگی می کنند که پر از خار و خاکست غذاهائی میخورند که موافق حفظ‌الصحه نیست آبهائی می آشامند که پر از میکربهای کشنده است یك گردشگاه عمومی ندارند سالها میگذرد یك تفریح دماغی نصیبشان نمیشود در دنیا مشغولیاتی جز کسالت دماغ و مزاج ندارند پشت پا باین دنیا زده ساکت و آرام و بدون حرکت در انتظار مرگ عمر میگذرانند مثل اینکه باین دنیا هیچ علاقه ندارند اینوضع بسیار ناگوار است دنیای امروز دنیای سعی و کوشش وعلم و صنعت و میدان مسابقه و مبارزه است هر ملتی که از میدان مسابقه و مبارزه کناره نماید فرمان محو و فنای خود را امضاء نموده است.

حالیه ملت ایران این رویه را پیش گرفته است خدا عاقبتش را بخیر کند ایران با یك چنین ملت بیهمت تنبل - لاابالی - ضعیف بی بنیهٔ بی علم و اطلاع نمیتواند بآتیهٔ خود امیدوار باشد مگر اینکه

خود را بفرا گرفتن تربیت بدنی و دماغی و اخلاقی حاضر کنند تا این تربیت سه گانه را نداشته باشد ممکن نیست در دنیا بتواند زندگی کند برای فرا گرفتن این تربیت سه گانه از حالا و بدون فوت وقت لازمست ملت ایران خود را حاضر کند و جدا داخل عملیات شود و آنها را فرا گیرد شاید بتواند سری در میان سرها علم کند .

اگر دارای این عقیده و آرزو هستید که ایرانی باید بایران فرمان روائی کند و ایران آتیه مال نسل آتیهٔ ایرانی باشد ازحال باید بمقدمهٔ عملی شدن این آرزو شروع نمائید مقدمه عبارت از تهیه وسائل تربیت نسل آینده است .

پدران و مادران نسل حاضر باید اقلا دارای یك معلومات لازمی باشند که بتوانند نسل آینده را یك نسل با بنیه و برومند تربیت کنند باید پدران و مادران نسل حاضر بدانند که هر طور خودشان هستند اولاد ایشان نیز همانطور بار خواهند امد اگر جدی ساعی قوی البنیه صحیح المزاج صحیح العمل صحیح القول و درستکار و عالم و بصیر باشند اولاد ایشان نیز همانطور و با همان صفات بزرگ خواهند شد اگر خدای نکرده این نکتهٔ بخصوص رعایت نشود از رشد و نمو و عقل و ذکاوت نسل آینده نیز باید مأیوس بود حرف را باید پوست کنده زد نسل کنونی ایران با حال حاضر نمی تواند انتظار داشته باشد که دیگران برای آن حق حیات قائل شوند زیرا حق حیات برای ملتی قائل میشوند که از خود مردان وزنان با هنر عالم بصیر مطلع قوی بنیه و صحیح المزاج درست کردار بپروراند مقیاس حیات یك ملتی را با وجود مردان و زنان با هوش با عقل و با دانش آن ملت اندازه میگیرند اقلا یك عدهٔ قابل در

هر رشته از علوم بشری باید در میان آن ملت سر آمد دیگران باشند و الا ملتی که اینگونه مردان و زنان بر جسته نداشته باشد ملت زنده محسوب نمیشود معلومست که ملت ایران چنین اشخاص از خود ندارد و تربیت نکرده و بعرصهٔ وجود نیاورده است اگر بودند اقلا نور معرفت و معلومات ایشان فضای ایران را روشن کرده بود و ما هم می توانستیم بواسطهٔ وجود آنهـا سر افتخار بآسمان سائیم اینك باین عیب خود بر خورده ایم و می خواهیم این عیب را اصلاح کنیم چه باید بکنیم ؟

اگر از من سئوال کنند خواهم گفت هر کس بفرا خور حال خود باید قسمتی از اوقات شبانه روزی خود را صرف فرا گرفتن تربیت بدنی و اخلاقی و دماغی کند یعنی یك مقدار وقت خود را صرف ورزش بدنی کند و بدن خود را از هر نوع آلایش مخالف دیانت و اخلاق پاك و مطهر نگاه دارد و آنرا هر روز قوی‌تر و برومند تر کنند و بدن را طوری تربیت کنند که در مقابل امراض گونا گون بتواند مقاومت کند اخلاق و صفات نیك و بسندیده که مقبول عامه است فرا گیرد سعی کند امین - درست - صحیح‌القول نیك رفتار و نیك کردار باشد از استعمال الکل - افیون - دخانیات احتراز کند از مجالست اشخاص زشت کردار بد گفتار دوری نماید تنبلی بیکاری و بیعاری و مفت خوری و کلاشی را کنار گذارده و کوشش کند اقلا بهمان اندازه که از نعمات مشروع تمدن امروزی برخوردار میشود بهمان میزان با دسترنج و عمل خود تحصیل نموده بجای آن بگذارد که بار دوش دیگران نشود یا از اندوخته های دیگران صرف نکنند که این زشت ترین صفاتست تربیت روحی و دماغی عبارتست از دانستن علوم و صنایع - هر انسانی

کـه تربیت روحی و دماغی ندارد انسان کامل نیست و هیچ فرقی بـا چهار پایـان ندارد انسان باید دارای معلومات باشد بتواند نوشته های دیگران را بخواند و قادر باشد افکار بزرگان قوم خود را بفهمد و توانا باشد بآنها علاوه کند .

وقتی که انسان معلومات ندارد خیرو شر خود را نمیتواند تمیز بدهد محیط خود را نمیتواند بشناسد و بملت و وطن خود خدمت کند نمیتواند بخانوادهٔ خود مفید باشد وجامعه ازوجود او نمیتواند استفاده کندونام خود را نمیتواند اسان بگذارد ،

فرا گرفتن اینها تا حدی مشکل نیست فقط یك جو همت و یك گندم جدیت میخواهد انصاف بدهید کـه چندان مشکل نیست کسی که بشود این معلومات رااز او فرا گرفت امروزه بسیارارزان و مناسبست در حقیقت بیك صلواة میتوان آنرا فراهم آورد انشاءالله تا شما بااین نیت باشید معارف خواهان نیز بخیال ماشین مدارس و کلاسهای اکابر خواهند افتاد آنوقت دیگر آبران گلستان میشود هر کس با اندك صرف وقت میتواند از معلومات امروزی بهره مند شود اولیای امور ناچارند یك روزی کلاسهای اکابر برای این ملت تأسیس نمایند اگـر امروز در خیال تأسیس آن نیستند فردا مجبور خواهنـد شد این قسمت ها تااندازهٔ مقدمه بودولی مقدمهٔ بودکه برای مقصود مالازمست

تا پدرو مادر دارای معلومات نباشند ممکن نیست اطفال آنها را بآسانی دارای معلومات کرد وقتی که پدرو مادر از دنیای محیط خود مطلعند بهتر میتوانند ذوق علوم و صنایع را در نهاد اطفـال خود که مردان نسل آینده هستند ذاتی کنند علوم امروزه در حقیقت برده از

روی تمام اسرار جهان بــر داشته است هر عالم بصیر و مطلعی میتواند تقریباً تمام جلوات و تظاهرات موجودات عالم طبیعت را که انسان و حیوان نیز جزو آن موجوداتند بدقت در تحت مطالعه درآورده بذات وساختمان و طبیعت انها آشنا شود و از احوال ذاتی و عرضی آنها مطلع شود در اینموضوع ما نیز که الساعه داخل در بحث آن هستیم تحقیقات عمیقه نموده اند و نتایجی که از آن بدست آمده بحال انسان فوق العاده مفید و سودمند واقع شده است ، علماء این فن عالم نبات و حیوان را در تحت تأثیر تربیت و بکار بردن اصول علمی ترقیات محیر العقول داده اند چون در اینجا با اصول علمی آشنا نیست باور نتواند کرد که بطریق علمی و با مختصر مراقبت از یك جریب زمین مزروع چگونه میتوان میزان محصول ده جریب زمین حاصل بر داشت یا اینکه در جاهائی که ابداً آب وجود ندارد چگونه زراعت میکنند که محصول آن کمتر از زمین مشروب نمیشود یا اینکه چگونه تمام آفات درخت های میوه را محو و بار آنهارا چندین برابر زیاد نموده اند همچنین در تربیت اغنام و احشام و چهار پایان از راه علم و تجربه برشد ونمو وجثه وفربهی آنها افزوده و تمام ناخوشی های مسری وغیر مسری را از میان حیوانات برداشته اند انسان از هیکل و درشتی آنها در شگفت میماند .

مدتهاست فهمیده اند کـه اگر اطفـال برومند تیز هوش و صحیح المزاج میخواهند بـاید پدر ومادر از تمام ناخوشی های ذاتی و عرضی عاری باشد نه تنها صحت بدن شرطست بلکه سلامت نفس اخلاق نیك معلومات کافـی و داشتن حثیات ملت و وطن پرستی بزرگترین شرطیست که پدر و مادر باید دارا باشند هر صفت نیك و

زیبندهٔ که پدر و مادر داراست همانها بدون کم و زیاد در اولاد آنها ارثی و ذاتی خواهد شد.

حکماء و علماء فریادشان بعرش رسیده که از اشخاص جانی و صاحبان ناخوشی های ارثی جلوگیری شود و نگذارند که آنها زاد و ولد کنند شاید باینوسیله نسل آنها از روی زمین بر افکنده شود.

از یك شخص عالمی پرسیدند که تربیت طفل از چه زمان شروع میشود جواب داد بیست سال قبل از تولد طفل!! این جواب قدری بنظر عجیب میآید در صورتیکه هیچ تعجب ندارد دکتر استال (۱) در کتاب معروف خود گوید نه تنها اخلاق و خصایص پدر و مادر در نهادطفل خمیره خواهدشدبلکه عادات واخلاق نیك وبد اجدادپدری ومادری نیز در طفل مؤثر است پدر و مادر هر صفت نیك و بد که دارا هستند بدون شك بطور ارث آنهارا باولاد خود خواهند داد.

در صفحه ۲۵۳ کتاب فوق خود راجع بصفات و خصائل ارثی گوید اسب هائی که برای دویدن در انگلستان انتخاب میکنند حتماً باید از نژاد اسب های تیزدو و معروف باشند بهمین ملاحظه در تربیت این قبیل اسبها دقت مخصوص صرف میشود مخصوصاً در اصالت و نژاد این قبیل اسبها توجه کامل دارندکه با نژاد دیگر مخلوط نشود تا ان صفات ارثی از بین نرود

همینطورست صفات نیك و بد اجداد یك طفل تمام آنها در طفل بطور ارث ذاتی شده در مدت عمر خود تمام آن صفات را دارا خواهد بود و ممکن نیست جلوات انهـا از او ظاهر نشود علماء طب که ایام عمر گرانمایهٔ خود را وقف مطالعهٔ احوال بشری کرده اند باین نتیجه

---

(۱) راجع بصفات وخصائل ارثی گوید

رسیده اند که هر گونه فکرو خیال هر قبیل پیشه و حرفه هر خوی و عادت و هر نوع اعمال خوب و بد که پدر و مادر در زمان بسته شدن جنین طفل دارا بودند بدون شك تمام آنها در نهاد طفل نقش خواهد بست .

حال اگر پدر و مادر مردمان درست کردار و درست گفتار باشند همین صفت را طفل آنها دارا خواهد بود اگر دزد و متقلب باشند بی شك طفل آنها نیز با همان صفت بار خواهد آمد از والدین مهمل - تنبل - بیکار - بی علم - بی دانش اطفال تقریباً با همان صفات بوجود خواهند آمد - پس برای داشتن اطفال صحیح المزاج با بنیهٔ تندرست و تنومند با فهم و شعور - جدی - چابك - دقیق - مطیع و مفید لازمست والدین آنها تمام این صفات را دارا باشند .

اگر تا امروز دارای این صفات نبودند از این ببعد اگر میخواهند فرزندان آنها دارای صفات و اخلاق نیك باشند مجبورند خودشان را باین صفات متصف کنند قلباً روحاً خیالا و عملا خود را حاضر کنند که این صفات رافرا گیرند تا بتوانند تمام اینهارا بطور ارث در نهاد اطفال خود جای دهند و اگر خدای نکرده دارای صفات زشت باشند برای خاطر اطفال هم شده باید آنهارا از خود دور کنند .

دزدی تقلب دروغگوئی - خیانت بملت و وطن و جامعه عادات زشت از قبیل استعمال الکل افیون حتی چپوق سیگار و قلیان تمام این آلودگی های زشت ارثی میشود و از پدر و مادر باطفال ارث میرسد اگر بخواهید اولاد شما از این عادات زشت عاری و بری باشند باید از تمام آنها عملا خیالا جسماً و روحاً احتراز کنید که اطفال

شما گرفتار این نوع بدبختی ها نشوند .

دکتر استال در کتاب معروف خود در صفحه ٤٥٤ گوید :

حکماء و اطباء که عمر عزیزشان در تحقیقات و تجربهٔ اینموضوع صرف شده عموماً تصدیق دارند که احوال روحی و جسمی پدر و مادر مقارن پیدایش طفل هر طور باشد طفل آنها همان حالت روحی و جسمی را خواهد گرفت و بعد از تولد و رشد و رسیدن بحد بلوغ همان حالات روحی و جسمی پدر و مادر خواهی نخواهی در طفل ظاهر خواهد شد ،

ایران باندازهٔ کافی بلکه از حد خود چندین برابر زیاد تر کور و کچل ، تنبل و بیکاره ، راشی و مرتشی ، الکلی و افیونی دزد متقلب اوباش و کلاش و مفتخوار دارد بهترست دیگر بواسطهٔ رعایت اصول صحیح و مطابق حفظ الصحه و مراعات قوانین صحیح توالد و تناسل از ظهور و پیدایش این انواع جلوگیری کرد .

بر عهدهٔ اولیای امور است که از ازدواج اشخاص علیل المزاج و جانی ها و کسانیکه دارای ناخوشی های مسری توالد و تناسلی هستند جلوگیری کنند جلوگیری اینموضوع بسیار سهل وآسانست یك اعلان از طرف مجلس حفظ الصحه باید منتشر شود که هیچ یك از آقایان علماء قبول نکنند و صیغه عقد نخوانند مگر اینکه اشخاصی که میخواهند عیال اختیار کنند از یك دکتر امین ، متدین ، معروف و صاحب معلومات که محل وثوق باشد تصدیق صحت بدن و سلامتی مزاج خود را در دست داشته باشند .

بعقیدهٔ نگارنده برای مرد حتما و بدون عذر در وقت ازدواج داشتن یك چنین تصدیق نامه از هر چیز واجب ترست اولیای دختر

کسی را که تصدیق سلامتی و صحت بدن خود را ارائه ندهد نباید بدامادی قبول کنند. اینموضوع شرط اعظم وصلت بایدباشد برای تشبیه شرح احوال یك چنین جوان را که در یاد داشتهای یك دکتر خوانده‌ام برای شما نقل میکنم:

«دکتراف، گوید از جمله مرضای من یك جوان متمول خوش سیما وخوش اندام بود این جوان گرفتار ناخوشی معروف عالم تمدن (سفلیس) گردید من اورا معالجه کردم و نصیحت نمودم که هیچوقت زن اختیار نکند مدتها پیش من برای معالجه میآمد و هر وقت صحبت، از ازدواج خود مینمود من اورا منع میکردم و باو عاقبت خطر ناك این اقدام را شرح میدادم و سعی میکردم از او قول بگیرم که هیچوقت چنین خیالی را در مغز خود جای ندهد و یك دختر معصوم بی‌گناه را مانند خود گرفتار و بد بخت نکند چندی بعد مرا بیك خانهٔ دعوت نمودند که سر بالین یك مریضهٔ بروم وقتیکه حاضر شدم یك دختر جوان مانند ملائکه رادیدم که در رختخواب بی حس افتاده معلوم شد که چند روز قبل دختری از اومتولد شده ناقص الخلقه واز دو چشم نا بینا مادرخود نیز در تشنجات اخیر مرگ گرفتارست وقتیکه خوب دقیق شدم دیدم یك سال بیش نیست که شوهر اختیار نموده و مرض مسری شوهر باو سرایت کرده طفل را هم که بوجود آورده گرفتار همان مرضست دست و پای طفل کج و کوله و دو چشمش کور بود رقت بمن دست داد و بر این تمدن ظاهری لعنت کردم باولیای مریضه گفتم دست از طفل بشویند زیرا که جان بدر نخواهد برد و چند روزه مهمان شما ست ولی مادر را حفظ کنید و از شوهر او جدا کنید دستور لازم دادم و بعد از شش ماه معالجه

دختر بحال اولیهٔ خود عود نمود ولی در این مدت تمام اوقات شوهر خود را از من پنهان میداشت و من هر قدر سعی میکردم کـه شوهر اورا بشناسم ممکن نمی شد تا اینکه یك روز همان جوان را که مدتها پیش من برای معالجهٔ مرض مسری خود میآمد در آن خانه دیدم بعد از تحقیق معلوم شد که شوهر مریضهٔ منست با کمال ملایمت و با یك قیافهٔ عبوس باو گفتم آقا بد کردی زن اختیار نمودی شما هم جنایت کارهستیدو هم قاتل زیرا که این دختر معصوم را بدرد بی درمان خود مبتلا نمودی و باعث قتل یك طفل بی گناه گشتی . »

یك نکتهٔ دیگر لازمست کهبایدبعداز صحت وسلامتی بدن رعایت شود وآن حفظ و نکاهداری مادر است تا وقتیکه حامله است باید او را کاملا خوشحال و راحت نکاهداشت و هیچوقت نگذاشت که اندوه و ملال درخاطر او راهپیدا کند وازشنیدن خبرحزن انگیزاحترازکنیدباید ازدیدن مناظر زشت و اتفاقات سوء او را منع کرد مادامیکه حامله است ازمجالس گریه وزاری ونوحه ومصیبت و عزا داری کناره کند هرچه بتواند گردش کند بشرطی که احساس خستگی نکند ، تماشای گل وسبزه باغ و صحرا معاشرت با مردمان خوش خلق و نیك سیرت مذاکره و گفتگوی در مسائل علمی و اجتماعی و صنعتی بسیار مفیدست خواندن کتاب های اخلاقی علمی و ادبی از واجباتست .

دکتر خانم در بك (۱) که مکرر نام نیك ایشان زیب صفحـات این رساله شده است در کتاب معروف خود در صفحهٔ ۱۴۲ داستان شیرینی را حکایت میکنند که عین ان اینست :

(۱) Emma F. Angell Drake, M. D.

« یك سیاحی در اطراف ایالت کالیفرنی سیاحت میکرد شب در یك خانهٔ فامیلی منزل کرد در میان اطفال آن خانواده یك دختر بسیار خوشکل و خوش اندام ملاحظه نمود که هیچ شباهت بسایر اطفال آنها نداشت این مسئله اسباب تعجب او شده و جرئت نمود از پدر و مادر اطفال حال دختر را سئوال کرد که آیا این دختر هم مال شماست و اگر چنبنست چرا دیگران شبیه او نیستند مادر اطفال فوراً سرش را بلند کرد با تبسمی که علامت خوشحالی درونی او بود اظهار نمود که منهم غالباً در این تعجب هستم که چرا این یکی در میان اولاد من اینطور زیبا و قشنگ شده و هیچ شباهتی بسایر فرزندان من ندارد فقط یك دلیل دارم که برای شما شرح خواهم داد.

تازه این طفل را حامله بودم روزی یك کتاب فروشی بمنزل ما آمد ویك عده کتاب همراه داشت من بآنها تماشا نمودم در میان آنها یك جلد کتاب شاعر و نویسندهٔ معروف انکلیس سروالتر اسکات بود موسوم به ملکهٔ دریاچه (۱) وقتی که من این کتاب را دیدم و صور آنرا نگاه کردم مفتون آن شدم و از شوهر خود تمنی نمودم آنرا برای من خریداری کند چون فقیر بودم و وجه موجودی نبود عذر آورد و ممکن نشد آن کتاب را خریداری کنم و آن کتاب فروش هم رفت ولی من تمام شب را از خیال آن کتاب نتوانستم بیرون بروم بالاخره بامید خرید آن شب را بصبح رساندم و میزان قیمت کتاب را فراهم آورده و همراه بر داشته دنبال کتاب فروش رفتم تا اینکه در یك خانه اورا بیدا کرده آن کتاب را خریدم و یك عشقی باین کتاب پیدا کردم که همیشه و در تمام مدت

(۱) The Lady of The Lake by Sir W. scoff.

حمل با آن کتاب بسر میبردم و اغلب اشعار آنرا حفظ کردم و چندین بار خود کتاب را از اول تا آخر خواندم و این دختر در اثر همان کتاب باین زیبائی و قشنگی شده و در حقیقت همان ملکهٔ در یاچه است .

دکتر جان کاوون در کتاب خود که موسوم بعلم حیات تازه است (۱) در صفحهٔ ۱۶۱ گویدیکی از دوستان وارد اطاق شده چشمش بیك پردهٔ نقاشی افتاد دید چقدر بطفلی که در کنار او بود شباهت دارد گفت اینصورت را چقدر شبیه طفل کشیده‌است گفتم اشتباه‌ست صورت طفل از روی آن نقاشی بر داشته شده تعجب کرد گفتم تعجب ندارد مادر این‌طفل باندازهٔ این پرده رادوست‌می‌داشت که طفل او شبیه پردهٔ نقاشی شده مناظر خوب و دلکش و نقاشی های قشنگ و صورتهای خوب از جمله چیز هائیست که باید اطاق یك زن حامله آنهارا دارا باشد .

اطرافیان زن‌حامله باید قیافه های عبوس خودشان را از اوپنهان کنند دعوا و نزاعهای خانوادگی را بکلی کنار بگذارند شوهر و منسوبان باید منتها درجه ساعی باشند که زن حامله اقلا در مدت حامله بودن شاد و خندان باشد .

یك موضوع مهم دیگری که بعهدهٔ مادر است و باید در مدت حامله بودن خودش رعایت کند اینست که بایدهمیشه خود رااز خیالات غم و غصه بیرون بیاورد و همیشه فکر خود را مشغول چیز های خوب دنیا کند و قلب خود را از آلایش پاك نگاهدارد دست وچشم خود را از هر چیز دور کند بهیچ چیز طمع نکند .

The S. cienceof A New Life by J. Cowan-M.D. 161 (۱)

در یك كتابی خواندم كه زن حاملهٔ یكوقت بدون اطلاع شوهرش از پول او مبلغی برداشته بود بعدها كه طفل او بدنیا آمد و بزرگ شد عادت داشت در خفا و بدون اطلاع پدر و مادر هر چیزی كه متعلق بپدر و مادر بوده یا تعلق بمنسوبان خود داشت میدزدید وقطعا اموال خودی این تجاوز را جایز دانسته بود و این عادت بهیچوجه از او دور نمیشد در ساختمان روحی و جسمی اولاد اخلاق مادر خیلی دخیلست و هرطور كه مادر بخواهد طفل با همان صفت و اخلاق پرورش خواهد یافت پس بر عهدهٔ مادر است كه فكر و قلب و روح خود را از هر چیز كثیف و پلید كنندهٔ پاك و منزه نگاه دارند

مادر ها مردان آتیهٔ ایران باید در دامان شما پرورش و تربیت شوند و هرطور كه شما بخواهید همانطور خواهند شد پس سعی كنید اولاد شما برای جامعه و برای وطن مفید باشند كوشش كنید دارای صفات نیك و پسندیده شوند یقین بدانید تا یك چنین فرزندانی تربیت نكنید هیچ یك از مفاسد اجتماعی ایران اصلاح نخواهد شد ساختمان نسل آتیه در دست شماست همت كنید مردان نیك كردار و درست گفتار بار بیاورید تا كمك كنید ملت ایران یك ملت نیرومند شود .

تربیت خانواده

اینك داخل شدیم در قسمت مهم موضوع بحث خودمان یعنی از تربیت خانواده است

غرض از تربیت خانواده قسمتی از تعلیم و تربیتست كه اطفال قبل از دخول بمدرسه در ... در ... پدر و مادر و سایرین كه مربوط بآن خانواده است ... موضوع مهم این قسمت این

رساله است چه تربیت خانواده اگر صحیح و مطابق اصول نظم و ترتیب باشد میتواند اساس تعلیم و تربیت آن طفل بوده باشد و بعد که بمدرسه داخل میشود این تعلیم و تربیت بحال او فوق العاده مفید واقع شود اگر خدای نخواسته طفل این تربیت اولیه را دارا نباشد در زحمت خواهد بود و از تعلیمات مدرسه بطوریکه شاید و باید بر خور دار نخواهد شد.

اگر قدری فکر کنید خواهید دید که اصول تعلیم و تربیت بچه در این دوره بکلی تغییر کرده و هیچ شباهت باتربیتی که در سی سال بلکه در بیست سال قبل معمول بود ندارد کتب آن دوره بکلی از میان رفته بجای آن کتبی تدریس مدشود که اگر طفل ذکی و با هوش باشد در مدت پنج سال تمام معلو مات ابتدائی را فرا میگیرد و میتواند برای شما از تاریخ جغرافی یا فیزیك شیمی نبات و حیوان حکایت کند در صورتیکه در سنوات قبل هیچیك از اینها جزو تعلیمات اطفال نبود عمه جزو ترسل بانصاب بامنتهاگلستان سعدی بعد صرف ونحو و دنبالهٔ آن کشیده میشد بمطول تا بیست سال و سی سال بلکه چهل سال نیز میرسید و اسم ایشان باز طلبه بودو هی درس میخواندند.

حال دنیای عملست از انسان عمل میخواهند و جامعه ازوجود او میخواهد استفاده کند دیگر بیست سال سی سال زیاد تر با و اجازه نمیدهند مشغول تحصیل شود محیط برای پرورش و نگاهداری او مثل سابق حاضر نیست انسان خود باید بعد از رشد و تمیز از خود نگاهداری کند از او کارو عمل میخواهند خانوادهٔ او یا ملت و وطن او از او انتظار سعی و عمل داردو میخواهد بواسطهٔ سعی و عمل و فکر او ملت بر خور دار باشد دو برابر ده‌برابر صدبرابر هر قدر ممکن شود از آن مبزانی

که برای حفظ ورشد و تربیت او صرف نموده باید اوعوض بدهد اگر اینطور نشود ملت او برو مند نمیشود وطن او ترقی نمیکند ثروت پیدا نمیکند ناچار ست اقلا چند ین برابر آنچه که در حیات خود از بد و تولد تا روز مرگ مصرف کرده برای ملت خود عوض تهیه کرده بدهد غیر از این باشد دنیا دنیای ترقی و تمدن نیست .

اساس تمام آنها امروز تربیت خانواده است اگر طفلی این تربیت را بموقع خود یعنی از روز تولد تا روز ورود بمدرسه فرا گیرد حل تمام مشکلات اودر باقی حیات او شده است اینك باید کوشش نمود که این تربیت را بطفل داده واورا آمادهٔ مبارزهٔ روز افزون زندگی کرد .

طفل پرورده محیطست اول محیط خانواده است هر طور تربیت این دنیای کوچکست همانرا نیز اوفرا خواهد گرفت طفل را باید آزاد گذاشت که بازی بکند اگر ممکن باشد درهوای بازو آزاد چه بهتر، باید مواظبت نمود که روزها گردش خود را ترك نکند کسیکه مواظبت اطفال بعهدهٔ اوست اید آدم حسابی باشد اگر زنست باید دارای اخلاق حسنه باشد و اگر رد ست باید مرد امین ودرست باشد در هر حال اگر ممکن شود بدست بچیك داده نشود بهترست زیرا اخلاق اطفال عموماً در دست نوکر و فت یادایه و پرستار ضایع میشود هنوز ایران ما پرستار وظیفه شناس و بهٔ حسابی تربیت نکرده که انسان بآنها اعتماد کند آنها هم تقصیر ندارند ط آنها را تربیت نکرده یاوسایل تربیت آنهارا فراهم نیاورده است بهتر ت نگاهداری و حفظ اطفال در هر موقع بااولیای خود آنها باشد چه در قع بازی و گردش فکرمتجسس طفل اورا بسؤال کردن وامیدارد دراین کام باید کسی باشد که بتواند سؤالهای او را از روی مهر و محبت و

اطلاع و فراخور فهم او باو جواب گوید و جواب فهمیده باو بدهد در اینمواقعست که هر چه طفل یاد گرفت ملکهٔ او میشود و تا عمر دارد از خاطر او محو نمی‌شود اگر بغلط یاد گرفت همانطور تا آخر بغلط میرود.

اغلب سؤالات طفل را نباید جواب گفت ولی این جواب نگفتن نباید طوری بشود که طفل جرئت نکند دیگر سؤال کند باید این نوع سؤالات را بطرز نیکی جواب داد که حالا موقع جواب این سؤال نیست یك قدری که بزرگ شدی قوت گرفتی قدت قدری بلندتر ازین شد آنوقت خودت جواب این سؤال را خواهی فهمید و اگر نفهمیدی میتوانی دو مرتبه ازمن سؤال کنی •

ازنشان دادن مناظر مخوف و زشت و بد بطفل باید احتراز کرد دیدن این نوع مناظر طفل را کسل مغموم و ترسناك میکنند چون نظر طفل بهر چه افتاد مانند شیشه حساس عکاسی فوراً عکس آن در دماغ طفل نقش میبندد ودیگر باین زودیها محو نمیشود طفل را معذب دارد ـ

کشتن حیوانات را از طفل مستور دارید هیچوقت درجلو چشم طفل مرغ ـ گوسفند یا سایر حیوانات را نکشید زیرا علاوه براینکه او را بحیوانات بی علاقه میکنند ممکنست ازاین حرکت تقلید نموده بسایر اطفال صدمه بزند یا اینکه وقتی بزرگ شود خونریزی درنظر او چندان اهمیت نداشته باشد در هر حال مفاسد انجام این اعمال در پیش چشم طفل بیش از آنست که تصور شود اگرچه در جای دیگر نیز باینموضوع اشاره شده لازمست باز در اینجا هم تذکر داده شود که اطفال را در مجالسی که برای بزرگانست حاضر نکنید مثلا مجالس روضه و عزاداری برای بزرگانست نه اطفال وقتی که زنها یا مردها اطفال

کوچك را همراه باین قبیل مجالس میآورند نمی دانند که روح آن اطفال را میکشند اذهان آنها را مختل میکنند

خوب دقت کنید در یك مجلس روضه خوانی که صد ها زن شیون و ناله و گریه میکنند این حرکات در دماغ یك طفل سه یا چهار ساله چه اثراتی خواهد داشت هیچ میدانید که دماغ حساس طفل بکلی مختل شده حالت جنون پیدا میکند و برای یك مدتی گیج و منگ و بلهست .؟

هیچ میدانید این اطفال معصوم را که بتعزیه ها یا روزهای قتل بتماشای تیغ زن و سینه زن یا سایر دسته ها میبرند آتیه آنها را خراب میکنند ذهن آنهارا بکلی مختل و پریشان مینماید ؟ بیجهت نیست که دماغهای عالی - فکور و فوق العاده حساس و سریع در ایران پیدا نمیشود دماغ اطفال در خردی خراب میشود و اگر کار میافتد این مناظر هوش آنهارا تیره و تار میکند و دیگر نمی توانند فکر کنند از رشد و نمو باز میمانند خودتان برو بد عزاداری هم بکنید و اشك هم بریزید بدسر و کله خود هم بزنید هر کار میکنید بکنید ولی اطفال معصوم را نبرید و بآنها این مناظر را نشان ندهید بعقیدهٔ من اگر اینکار را بکنید در حق اطفال خود ظلم کردهاید و صاحب عزا هم ازشما راضی نخواهدشد .

علاوه بر اینها اغلب دیده شده که در مجالس تماشا و بازیهم اطفال را همراه میآورند این چندین عیب دارد که حال یگان یگان آنها را ذیلا شرح میدهیم :

اول انکه خواب آنها را میگیرند در صورتیکه طفل باید همینکه آفتاب غروب کرد بفاصلهٔ کمی داخل رختخواب شود و استراحت کند ولی وقتی

که طفل را باین نوع مجالس میآورند تانصف شب اورا بیدار نگاه میدارند واین ترتیب برای دماغ طفل مضر است بیداری برای اطفال ضعف بنیه کسالت وکم خونی میاورد دوم اینکه نمید انند درآن نمایش یا بازی چه چیزها باید نشان بدهند اغلب حرکات و حشیانه یا نمودن عادات زشت بشریست یاموضوعاتی که طفل هیچ علاقه بدیدن آنها ندارد در هر حالت نشان دادن آنها بطفل مضراست باید احتراز کرد

بشاشت و خنده روئی و خوشحالی وروشنی روح را در اطفال ذاتی کنید و عادت دهید همیشه خوشحال باشند گرفتگی و حالت غمزده گی وافسردگی در اطفال برای جسم وروح آنها خطر ناکست بگذارید وکمك کنید اطفال شاد و خندان باشند هیچوقت راضی نشو ید غبار ملالت و گرد افسردگی برعارض اطفال بنشیند این حالت در اطفال برای وطن و جامعه مضر است و آنها را بهر چیزی در دنیا بد بین میکند غمگین ومحزون بودن جز و صفات پسندیدهٔ شرقیست در میان اروپائیها ضرب المثلست که میگویند« خوش باش وغم و انده را برای شرقی بگذار » (۱) چنین معلوم میشود که خوشحالی را فقط اروپا ئی باید داشته باشد غم وغصه و اندوه وملال جزء لوازم زندگانی شرقیست

ایرانی باید سعی کند اینحالت را از خود دور کند اگر پدران و مادران در گذشته باین نکتهٔ اساسی بر نخورده اند حال باید در اطفال امروزی رعایت شود و آنهارا با روی خندان و بشاش بار بیاورند این یکی از وظائف مهم مادریست که باید در بشاشت و خنده روئی اطفال جدیت کنند و هیچ وقت راضی نشوند طفل محزون و غمگین باشد

(۱)The Pleasure of life by LordAve hury

و خود اسباب آنرا فراهم بیاورند و اگر دیگران یا پیش آمدی آنرا فراهم آورده فوراً با مهر و محبت مادری آنرارفع کنند نزاع و اوقات تلخی های خانواده را باید کاملا ازاطفال مستور داشت و نگذاشت تلخی زندگی خانوادهٔ ایرانی که تا امروز درکام ایرانی تلخ تر از زهر بوده به ذائقهٔ شیرین اطفال بیگناه نیز سرایت کند امید ست اطفال آیندهٔ ایرانی بدون چشیدن این زهر مهلك بار آیند.

بعقیده من چند موضوع مهم را باید پدر و مادر در ضمن تربیت خانواده در نهاد طفل خمیره کنند اول آئین اجدادی که باید پدر و مادر سعی کنند طفل بدین و آئین و رسوم و آداب ملی کاملا علاقه‌مند باشد و آنها را از جان شیرین بیشتر دوست داردو بآنها یك رابطهٔ پیدا کند که تا حیات دارد از آنها دست بر ندارد باید تعلیم اینها را با مهر و محبت پدری و مادری توأم نمود بطفل حالی و ذهنی کرد کـه ملکه شود وقتی که یك پدرو مادر بآئین ملی علاقه مند باشند میتوانند برا بطرز نیکی در طفل ذاتی نمایند که با شیرا ندرون شود و باجان تارج گردد همینطور عادات و رسوم و اخبار و احادیث ملی را باید طرز های خوشی بطفل یاد داد فشار و جبر لازم نیست چاشنی آن فقط باید مهر و محبت باشد و تمام این‌هارا بایدباکلمات‌خوب وزیبنده‌و خوش آهنگ آرایش داد و در فکر طفل جای گیر نمود برای یاد دادن دین بطفل لازم نیست از عذاب و عقاب خداوند صحبت کنند بایداز عدل و انصاف و بخشش و مهربانی و نعمت های فراوان و رحم های بیحدو حساب خدا حکایت کرد و آنهارا بالطاف آلهی امیدوار نمود بعقیدهٔ بنده دورهٔ تعلیمات مذهبی بوسیلهٔ توسل بصفات قهاریت وعذاب

و عقاب خداوند گذشته است حال باید بوسیلهٔ صفات رحم و مروت و عدل و انصاف خداوند بزرگ و کوچك را با آئین ملی امیدوار و مربوط کرد و آنهارا طوری تعلیم داد که برای حفظ و نگاهداری آن از عزیز ترین دارائی خود بگذرند و آنرا چون جان شیرین دوست دارند و برای حفظ آن جان دهند زیرا یك ملتی بدون آئین ملی نمیتواند زیست کند .

دوم احترام و اطاعت قوانین مملکتیست ، تا اندازهٔ جای عذر باقیست که چرا نسبت بقوانین در این مملکت کمتر احترام میشود علت اینست که از عمر قوانین ما چندان سالی نگذشته است و مردم خودشان هم چندان عادت باطاعت قوانین نکرده اند اقلا پنجاه سال دیگر طول دارد تا مردم قدر و قیمت نفوذ قانون را بدانند ده سال و بیست سال کافی نیست هنوز اهالی طهران زیر بار قانون نرفته و محاسن آنرا نمی دانند چه رسد به سکنهٔ شهرهای دور دست، در هر حال روزی خواهد رسید که مردم از قوانین موضوعهٔ مملکتی احترام و اطاعت کنند چیزی که تا حال در ذهن ایرانی نمیگنجد اطاعت از قانونست بیك اروپائی یا امریکائی همین که گفتی این مسئله یا این ترتیب بموجب قانونست فوری تسلیم میشود دیگر چون و چرا نمیکنند ولی ایرانی چون بقوت و قدرت قانون عادت نکرده و آشنا نیست باز اصرار دارد که خواهش او انجام بشود اقامهٔ دلیل و ارائهٔ مواد قانون بهیچوجه بخرج او نمی رود ـ تقصیر هم ندارد .

سیم آشنا کردن طفل ببزرگان و مردان ملی و تاریخی وطنست پدر و مادر باید در ضمن داستان ها و قصه های شیرین که برای خواب

کردن یا مشغول داشتن طفل بکار می برند تاریخ و زندگانی مردان وطن پرست و فداکار بزرگان دین و پادشاهان بزرگ و جنگهائی که کرده و فتوحاتی که نموده اند و شکستهائی که متحمل شده اند و از حدود و ثغور مملکت حکایت کنند آنهارا بتاریخ وطن و بزرگان وطن آشنا نمایند و حب وطن را در قلب آنها جای دهند شوکت و عظمت گذشتهٔ وطن خود را در صغرسن باولاد خود حکایت کنند اگر بتوانند اسباب ترقی و علل تنزل وطن خود را درادوار گذشته با عبارات شیرین که طفل بشنیدن آنها متمایل شود برای آنها صحبت نمایند و تعصب وطنی و روح وطن خواهی و علاقه بزرگانی که در گذشته اسباب عزت و شوکت و ترقی و سعادت ایران شده اند در اطفال ذاتی نمایند .

شما در اروپا و امریکا هیچ طفل هفت سالهٔ را پیدا نمی کنید که بزرگان گذشتهٔ ملت خود را نشناسد و تاریخ حیات آنها راندانديا از جنگهائی که بنفع وضرر وطن خود شده مطلع نباشد نویسندگان معروف شعراء بزرك و فلاسفهٔ وطن خود را نشناسد در ایران تا امروز اینطور نبوده حال هم در هزار نفر یکنفر نیست تاریخ صدسال گذشتهٔ وطن خودرا بداند چه برسد بجنگهائی که بنفع وضرر ملت و وطن خود تمام شده است .

در حقیقت برای ملت ایران این یك خجالت بزرگیست که یك کتاب تاریخ حسابی ندارد در هر حال از این موضوع میگذریم اگر دیگران باطفال خود در گذشته یادنداده اند شما یاد بدهید شما آنهارا بوطن بائین و قوانین باخبار و احادیث و روایات و رسوم و تاریخ حیات بزرگان علماء و شعراء وفیلسوفهای وطن آشنا کنیداز قصه ها وافسانه هائی که شب برای راحت و مشغولیت اطفال ناگزیر هستید

بگوئید اینها را بجای آن قصه ها و افسانه ها حکایت کنید آنچه که شما در اینوقت و در این سن باطفال خود بگوئید در فکر و دماغ آنها جای میگیرد و باقی میماند و هیچوقت محو نمی شود اینهاست که اسباب ارتباط یك ملتی هستند و اینهاست که یك ملتی رابرای فداکاری در راه حفظ و نگاهداری آنها آماده میکند زنجیرهای غیرمرئی که افراد یك ملتی را بیکدیگر می بندد و با هیچ فشار خارجی پاره نمیشود عبارتست از وطن و آئین و قوانین آداب و رسوم تاریخ و خاطره های مردمان تاریخی از علماء و فضلا وشعرا و فلاسفه که در میان ان ملت نشو و نما کرده و هر یك بفرا خور حال خود خدمتی نمایان بوطن وبملت وبزبان وبتاریخ و ادبیات و آئین نموده اند و حق احترام و علاقه عامه نسبت بهر یك از این ها ایجاد یك زنجیر غیر مرئی نموده و تمام ملت را بیکدیگر می بندد ما ملت ایران سلسله های زیادی از این زنجیر ها را داریم که یکی از آنها تاریخ ملت و وطن ماست که کمتر ملتی میتواند بداشتن یك چنین تاریخ طولانی ادعا نمایند .

امروز بر عهدهٔ اولیای اطفالست که تمام اینهارا با عبارات شیرین و دلکش از کوچکی و صغر سن عوض قصه ها و افسانه های کلثوم ننه و خاله زنکیها برای اطفال خود حکایت کنند و تشویق نمایند که آنها رایادبگیرند اگر بیك چنین امری اقدام کنید در اندك زمانی یك ملتی را احیاء کرده اید .

چهارم سعی کنید و جزو وظایف حتمی خود قرار دهید که

اطفال شما درست گفتار و درستکردار باشند اول اطفال شما از شما تقلید خواهند نمود وظیفهٔ شماست که بآنها راست بگوئید و انتظار داشته باشید بشما راست بگویند اخلاق ورفتار و گفتار شما هر طور است بدون شك اطفال شما آنها را از شما فراخواهند گرفت اگر تا امروز راستگو و درستکردار نبوده ابد حال که اولاد پیدا کردید یك مسؤلیتی در مقابل جامعه بعهده شماست که بملت خود جوانهای درست کردار و درست گفتار بدهید اگر این وظیفه را انجام ندهید دو خیانت کرده اید یکی باولاد خود دیگری بملت خود باید اولاد شما بگفتار شما ایمان پیدا کنند که هرچه میگوئید صحیح وعین حقیقتست وای بآنروز یکه ایمان اطفال شما نسبت باقوال شما متزلزل شود آنروزست که ارکان خانوادهٔ شما متزلزل میشود و در نتیجه بجامعه یك مشت مردمان دروغگو تحویل خواهید داد که هیچوقت قابل اعتماد نخواهند بود اطفال شما باید اقوال شما را وحی منزل بدانند آنچه میگوئیدراست بگوئید بعد انتظار داشته باشید از شما تقلیدنموده بشما راست بگویند در پیش اطفال درست کردار باشید تااطفال از شما تقلید کرده درست کردار باشند آنها را با مانت داری عادت بدهید که امین باشند طمع و حرص آنها را محدود کنید ولوتو خود با وسعت باشی از طفولیت بآنها قناعت را یاد بده ول خرجی و در تعیش زندگی کردن را بکلی باید درحضوراطفال متروك داشت آنهارا بزندگانی ساده و بی آلایش آشنا کرد اطفال را بپول عادت ندهید مگر بجمع کردن آن هیچ چیز مضرتر از این نیست که طفل عادت کند بپول گرفتن و خرج کردن طفل باین ترتیب نباید آشنا باشد .

عادت بدهید همیشه درستی ـ راستی ـ صداقت و عدالت پیشه کند و گذشت داشته باشد درست و امین باشد که همه کس باو اعتماد کند راست بگوید که همه کس قول اورا باور کند صداقت داشته باشد که هیچ کس ظن بد در بارهٔ او نبرد باید بطور عدل و انصاف رفتار کند بحق هیچ کس تجاوز نکند بحق خود وآنچه که باو میدهند قانع باشد گذشت داشته باشد کینهٔ احدی‌را دردل نپروراند تقصیر دیگران را زود گذشت کند این صفات در ما کمتر مورد توجه شده یکی از بزرگترین علل عقب ماندن ما ترقی ندادن صفات فوقست در ایران ممکنست بحداعلا این صفات تکمیل شود براولیای اطفالست که تعلیم آنها را باطفال خود واجب بدانند .

همبازی در صحبت دقت کنید کلمات زشت ادا نکنند وعبارات بد یاد نگیرند در بازی باید مواظب باشید بازیهای خنك وسمزه نکنند همبازی خوب انتخاب کنید اگر پیدا نشود بهترین همبازی طفل پدر ومادر اوست

هیچ وقت آنها را تنها نگذارید همیشه بهترست درتحت مراقبت مادر بازی کنند هیچوقت آنهارا بامید نوکر وکلفت نگذارید شب طفل را خوب حفظ کنید در وقت خواب باید مادرمواظبت طفل‌را بکند وخود مادر باید اطفال خودرا خواب کند هیچوقت راضی نشود دیگران اطفال اورا خواب کنند اینموضوع دقت مخصوص لازم دارد بواسطهٔ غفلت ازین یك نکتهٔ بخصوص بسیاری از اطفال خراب شده‌اند در بنموضوع دکتر در یك شرح مفصلی می نویسد که من بهمین اندازه قناعت نمودم (۱) اطفال را از ولگردهای کوچه حفظ کنید مگذارید کلمات وعبارات آنهارا یاد بگیرند اگر

(۱) What A ΛoungWife ought to Know By E. F.a. DrakeM.D.

چیزی فرا گیرند فوری تقبیح کنیدتا از ذهن او بیرون آیدطفل مقلدست هیچوقت راضی نشوید اعمال و رفتار مردمان لوس وبی مزه را تقلید کنداعصاب اطفال فوق‌العاده حساسست هیچوقت باتندی ودرشتی وخشونت باآنها معامله نکنید هر حرکت ناپسند هم از آنها سر میزند باکمال ملایمت اصلاح کنید درعدم انجام وظیفه تند خوئی نکنید بلکه با نهایت آرامی و نرمی او را بانجام و ظیفه آشنا کنید همیشه تکیه کلام شما این باشد که اطفال خوب اینطورندیا اطفال خوب از این حرکات نمی کنند این رفتار را دوست ندارم ویا فلان حرکت ازاطفال خوب سر نمی‌زند .

تند ترین باز خواست ازاطفال فقط باید باکمال آرامی ونرمی کلمهٔ « چرا » باشد طفلی که خوب مواظبت بشود وخوب بااو رفتا شود وهمیشه ازروی مهر ومحبت بااوصحبت شود کلمهٔ چرا دراو فوق‌العاده مؤثرست وبرای اوبدترین تنبیه ومؤاخذه است .

چندی قبل در یك روزنامهٔ امریکائی خواندم که در امریکا جزو قوانینست هر معلمی که با خشونت و درشتی بااطفال رفتار کند جزایش بعید است (١) تغیر وتشدد نسبت باطفال فوق‌العاده مضر است واعصاب لریف ولطیف آنهارا مشوش و مختل میکند اغلب اتفاق می افتد که حواس آنها در نتیجه تندی و خشونت بکلی پریشان میشود و بعدها هم علاج پذیر نیست .

مربی طفل باید فوق‌العاده برد بار وپرحوصله باشد این قسمت را ر رسالهٔ تربیت اطفال درمدرسه مفصلا بیان خواهد نمود فقط در اینجا ذکر بوالد نیست که آنها در موقع تربیتی که در خانواده بطفل میدهند

(١) Younths. Companion

ازتغیر وتشدد وخشونت باید خود داری نمایند هرتنبیه‌وتذکر وتعلیم که باید بدهند لازمست با عاطفه پدری ومادری توأم باشد نصایح و تعلیمات برا ی‌همه کس مانند گنه‌گنه‌است ولی وقتی که‌با مهر و محبت پدری و مادری ممزوج شد وآنراهم باخوشروئی وخنده پیش طفل گذاشتند باکمال میل و شعف آنرا استقبال میکنند –

ماهریك‌بنوبهٔ‌خود طفل‌بودیم خوب فکر کنید درنتیجهٔ یك حرکت مخالف میل پدر ومادرآن تندی و خشونت ها که برما می شد چطور در ما اثر میکرد و چگونه نسبت بپدر و مادر یك حس عدم اطاعت ظاهر میشد اما وقتی که باتمام محبت با ما صحبت میشد بایك تشویق مختصر حاضربودیم چقدر خومانرااصلاح کنیم‌اطفال‌ماهم همین حالت را دارند باخشونت‌و باتندی اعمال‌وحرکات ناشایست‌آنهارااصلاح نمیکنیم‌بلکه آنهارا نسبت‌بخودمان بدبین‌وبد اندیش میکنیم‌درحقیقت خرابی عمدهٔ‌اخلاق‌اطفال سوء رفتار وگفتار و الدین آنهاست .

هیچوقت اطفال خودرا گول نزنید بآنها و عده خلاف ندهید این بسیار عادت بدیست که و الدین اطفال خودرا گول میزنند گمان میکنند فریب یا و عدهٔ خلاف با طفال دادن چیز مهمی نیست در صورتیکه خیلی مهمست و با همین رفتار و گفتار اطفال خودرا برای آتیه شیادو درغگو بار میآورند و مهر و محبت آنها را نسبت بخودشان متزلزل میکنند .

دکتر استال که‌خدمت بزرگی بواسطهٔ نشر کتب اخلاقی خود بعالم بشریت کرده در کتاب معروف خود گوید (۱) .

(۱)What A young Boy ought to Know. By S. Stall D.D. P,21

« در يك روز درخشان ماه مى (اردى بهشت) طفل چهار ساله در زير درخت سيب نزديك ديوار يك باغى بازى مينمود دراين هنگام يك بچه خر گوش بيرون آمد چون خيلى كوچك بود نتوانست از دست طفل فرار بكند طفل آن را باخوشحالى تمام گرفته پيش مادر برد وتاشب باآن مشغول بازى بود همينكه پدرش آمد بطفل گفت حال وقت خواب اين بچه خرگوش است بايددرآغوش مادر خود بخوابد خوبست آنرا برده دركنار سوراخ خودبگذاريم تا رفته پيش مادرش بخوابد طفل اين گفته پدررا قبول نمود و راضيشد شكار خودرا كه اسباب شادى وخرمى او بود برده درب سوراخ بگذارد و همينطور كرد فردا صبح رفت هر چه انتظار كشيد بچه‌خرگوش بيرون نيامد طفل گريان ونالان مراجعت نمود واينواقعه را هيچوقت فراموش نكرد وقتيكه اين طفل بزرگ‌شده بود وبحد بلوغ رسيده ميگفت من از همانروز كينه پدر خود را در دل گرفتم كه چرا مرا گول زد »

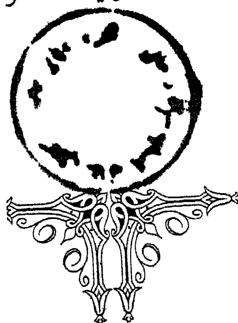
همينطور كه نبايد طفل را گول زد همانطور هم نبايد او را مأيوس نمود هر وقت هر وعدهٔ كه باو ميدهيد وفا كنيد اگر ميدانيد كه انجام ان ممكن نيست از وهلهٔ اول اورا قانع كنيد كه ممكن نيست خواهش او بر اورده شود - طفل را تنبل بيكاره و لاابالى بار نياوريد هميشه او را تشويق كنيد مشغول باشد اسبابهاى مخصوصى تهيه كنيد كه فكر طفل مشغول باشد و از انها چيز ياد بگيرد سعى كنيد ساعى باشد چابك باشد در عمل و گفتار و كردار جدى باشد اينصفات را اگر در طفوليت باطفال ياد ندهيد در بزرگى بحال خانواده يا جامعه مفيد نخواهند بود .

سعی کنید اطفال شما مطیع باشند اطاعت پدر و مادر برای طفل الزم از هر چیزیست یاد بدهید اوامر ونواهی شمارا بارجان ودل اطاعت کنند وانها را انجام دهند برای اطفال نافرمانی بدترین صفات است ودر اینقسمت بخصوص باید بسیار اوقات صرف کرد تااطفال نسبت ببزرگان واولیای خود فرمان بر دار باشند اگر در صغرسن این عادت را ندهید همینکه پا بسن گذاشت از اوامر شما سرپیچی خواهد نمود آنوقت اصلاح ان فوق العاده مشکلست .

اینکه ایرانی نمیتواند اولاد خود را مطیع وفرمان بردار تربیت کند علت عمدهٔ آن محبت فوق العادهٔ پدری یا مادری است نسبت بطفل در زمان طفولیت ولی همینکه دوره طفولیت بانتها رسید عدم اطاعت ونافرمانی آنها مانند نا فرمانیهای دورهٔ طفولیت مطبوع نیست بلکه از طفل بزرگ خیلی ناپسندست نهی والدین در این وقت درطفل مؤثر نیست وبالطبع منجر به نافرمانی وعدم اطاعت خواهد شد واز همین جا سردی و برودت بین پدر و طفل شروع میشود نه پدر دیگر علاقه بتربیت طفل بالغ نشان میدهد و نه طفل اطاعت اوامر و نواهی پدریرا رعایت میکند نتیجه این میشود که پدر از این در داخل نشده طفل از در دیگر خارج میشود که چشم بد ر بروی او نیفتد و عاقبت کار طفل بی تربیت و نا فرمان و غیر مطبع بار آمده اسباب خجلت خود وخانوادهٔ خود میشود .

مهر ومحبت پدر و مادری بجای خود ولی تعلیم وتربیت وداشتن اخلاق پسندیده در طفل از جملهٔ واجباتست تا طفل دارای این صفات نشود درانظار خودی و بیگانه هیچ قرب و منزلتی نخواهد داشت مهر و

محبت والدین تاانتهای دورهٔ طفولیتست پنج یاشش سال‌یاسال هفت نخواهد رسید زیراطفل بزرگ شده ازاوعلم‌وادب‌واخلاق‌پسندیده انتظار خواهند داشت اگرغیر ازاین صفات را داشته باشند مقبول نیست دیگر درچشم پدرومادر وسایر خانواده قدر وقیمت نخواهند داشت کسب علم وادب واخلاق ورفتار نیك فرا گرفتن آداب ورسوم معاشرت تمیز حرکات زشت وربیا احترام ازوالدین و بزرگان‌خانواده ازجملهٔ تکالیفیست که طفل تاسن هفت ساله خود آنهارا باید بداند و بر عهدهٔ والدین است که تمام اینها را دردورهٔ طفولیت و دورهٔ تربیت خانوادگی بطفل تعلیم بدهند.



رسول‌بخشی ۱۳۰۶ شمسی

8

اغلاط ذیل را تصحیح کنید

صفحه	سطر	غلط	صحیح
صفحه ۲	سطر ۱۲	ناخوشی	ناخوش
« «	« «	تندتر شده	تندرست
« ۳	« «	تمیزا داده	تمبز داده
« ۷	« ۲۰	بعدازکلمهٔسستی «آنهاپیدا شده» افتاده	
« «	« «	کلمهٔراه‌یافته زائد است	
« ۸	« ۱۳	مدیر	پدر
« ۱۷	« ۲۰	جز ترش	جز بترش
« ۱۸	« ۱۳	تربیت	ترتیب
« ۲۲	« ۱۹	زمائیکه	زمانیکه
« ۲۳	« ۱۰	بداد میکنند	بدادا میکنند
« «	« ۱۲	و با عبوس	و با قیافهٔ عبوس
« ۲۹	« ۵	نوازد	نوزاد
« ۳۰	« ۱۶	تابستان برای	تابستان هم برای
« ۴۰	« ۲۱	احول	احوال
« ۴۱	« ۳	طغل	طفل

[illegible] ۱۹، مفید باشد

کلمهٔهمبازی زائداست

بعضی از کتب کتابخانهٔ طهران

حافظ چاپ جدید با طبع حروفی که از روی نسخهٔ — قران

۳۵ سال بعد از خواجه حافظ بهمت و سرمایهٔ

آقا سید عبدالرحیم خلخالی در طهران بطبع رسیده بدون جلد ۱۶

» » » » با جلد مقوائی معمولی ۲۰

» » » » با جلد بسیار اعلی. ۲۲

گنج شایگان راجع بامور اقتصادی ایران تألیف جمال زاده چاپ برلن. ۱۰

کشف تلبیس انگلیس اسناد محرمانهٔ انگلیسها در موقع جنگ بین المللی » » » ۶

دستور عشاق منظومهٔ فتاحی نیشابوری » » » ۱۱

یکی بود یکی نبود تألیف جمال زاده » » » ۱۰

زادالمسافرین حکیم ناصرخسرو که نسخهٔ آن نایاب شده » » » ۳۵

وجه دین » ۱۰

راه نو جلد سیم در تعلیم و تربیت بقلم کاظم زاده مدیر مجلهٔ نامی ایرانشهر بهترین هادی نسل آتیهٔ ایران باجلد بعلاوه حق فروشنده ۲۴

» » » » » بیجلد ۱۸

» » » » » جلد دوم ۵

تاتر مالکم خان که نسخهٔ آن نایاب شده » » ۵

دوستاران بشر » » ۳

هزار و یك سخن » » ۱

بعضی از کتب کتابخانهٔ طهران

منتخبات عبید زاکان » »	۱،۵
سفرنامهٔ ناصرخسرو و روشنائی نامه و سعادتنامه چاپ برلن بیجلد	۵
» » » »	۱۲
کشف الحیل جلد دوم چاپ طهران	۶
فلسفه نیکو » »	۶
فرهاد و شیرین وحشی چاپ طهران	۳
روضة الانوار خواجوی کرمانی » »	۳
تاریخ جمهوری دول متحدهٔ امریکا ترجمهٔ « نجفقلی میرزا »	۶
تاریخ انکشاف زمین ترجمه از ژول‌ورن بقلم حسین مدحت	۷
حکمت سقراط بقلم افلاطون نگارش فروعی .	۸
تیره بختان، ترجمه از میرزا یل بقلم اعتصامی	۱۰
تاریخ مقدس ترجمه از انگلیسی شرح حال حضرت رسول صلعم	۸
اردیبهشت در نظم و نثر بقلم حاجی میرزا یحیی دولت آبادی	۵
داستان شهر باز رمان اخلاقی و اجتماعی	۷
زهره و منوچهر ایرج میرزا .	۱
ایده آل عشقی	۲
منتخبات عشقی	۱۰
کتاب طبخ فرنگی و ایرانی و شیرینی پزی	۱۰

کارنامه « طهران » دارای معلومات مفیده و صور مشاهیر باشخاصیکه چند جلد از کتب فوق بخرند تخفیف کلی داده خواهد شد

کتاب پیام اثر فکر سید فخرالدین شادمان رمانیست اخلاقی و اجتماعی که در تحت طبع است وقریباً منتشر خواهد شد.